

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۲

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۲، بخش اول (فروردین تا شهریور)
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.
ISBN : 978-600-8378-04-4
۱۳۴ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: نمایه.
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ م۹ش/۲۵۱۲ KMH
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۵۱۴۶۱

مشروح مذاکرات شورای نگهبان سال ۱۳۹۲ بخش اول (فروردین تا شهریور)

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

حسن افراسیابی، عمار امیری آرانی، محمدحسن باقری، محمدبرزگر خسروی، عباس حسن خانی، سعید رحمانیان، علی زمانیان
جهرمی، حمیدرضا صادقیان، سید محسن طاهری، حسین فاتحی زاده، کاظم کوهی اصفهانی و فهیم مصطفی زاده
پیاده سازی و تنظیم: سید حامد چاوشی، محمدحسن سامع، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همّت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵ - تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۰۴-۴

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir

مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۹۲/۲/۱۱

مشمول بر موضوعات زیر:

- ۱) نطق پیش از دستور
- ۲) لایحه توقف اجرای احکام خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان
- ۳) طرح استفساریه جزء (۱) بند (ب) تبصره (۲) ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی
- ۴) لایحه اصلاح قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع بین‌المللی انرژی
- ۵) لایحه مجازات اسلامی (کلیات، حدود، قصاص و دیات) (اعاده شده از شورای نگهبان)

تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید

نطق پیش از دستور

آقای جنتی - بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض تبریک به مناسبت میلاد مسعود و فرخنده حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و میلاد حضرت امام [خمینی] رضوان الله تعالی علیه. در این ایام پیش رو، شهادت مرحوم مطهری را داریم. روز شهادت مرحوم مطهری به عنوان روز معلم را داریم، روز کارگر را داریم و روز زن را هم داریم. ان شاء الله همه‌ی این ایام برای همه‌ی مردم ما مبارک است و ان شاء الله خیر و برکت داشته باشد.

لایحه توقف اجرای احکام خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان

منشی جلسه - بسم الله الرحمن الرحيم. دستور اول جلسه‌ی امروز، بررسی «لایحه توقف اجرای احکام خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان»^۱ است.

۱. لایحه توقف اجرای احکام خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان در تاریخ ۱۳۸۸/۸/۱۰ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به

←

«ماده واحده- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون اجرای کلیه احکام قطعی خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان که در اراضی متعلق به غیر احداث شده است، برای مدت دو سال متوقف می‌شود. وزارت ورزش و جوانان موظف است ظرف مدت مذکور با مالکین اراضی یادشده به هر نحو ممکن از قبیل خرید اراضی، واگذاری زمین یا ملک معوض، صدور مجوز و واگذاری سهام توافق نماید.

تبصره ۱- در صورت عدم حصول توافق، بهای زمین بر اساس مقررات مواد (۴) و (۵) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب^۲، تعیین، پرداخت و سند آن به نام دولت به نمایندگی وزارت مربوطه تنظیم می‌شود. در هر حال پرداخت بهای زمین به مالک نباید بیش از شش ماه پس از اتمام مهلت مقرر در متن ماده تجاوز نماید؛ در غیر این صورت، مفاد حکم از سوی مراجع قضایی اجرا می‌شود.

تبصره ۲- دولت موظف است اعتبارات مورد نیاز را به گونه‌ای در لوابج بودجه سالانه کل کشور پیش‌بینی نماید که تا پایان مهلت مدت یادشده اجرای این قانون تحقق یابد.»

→

مجلس شورای اسلامی، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۶۲/۴۶۶۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۳ برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر وجود ابهام در برخی از مفاد این مصوبه و نیز مغایرت برخی از مواد آن با موازین شرع را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۰۱۴۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ به مجلس اعلام کرد. مجلس شورای اسلامی برای رفع ایرادهای شورای نگهبان، در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۲/۵/۱ این مصوبه را اصلاح کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۶۲/۲۷۵۵۷ مورخ ۱۳۹۲/۵/۵ برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال کرد. این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۶ شورای نگهبان بررسی شد و برخی از مفاد آن مغایر با موازین شرع شناخته شد. نظر شورا در این خصوص، طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۲ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. مواد (۴) و (۵) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران: «ماده ۴- هرگاه نسبت به تعیین بهای عادلانه اراضی و ابنیه و تأسیسات و حقوق و خسارات وارده بین دستگاه اجرایی و مالک توافق حاصل نشود، بهای عادلانه توسط هیئت مرکب از سه نفر کارشناس رسمی دادگستری تعیین می‌گردد.

ماده ۵- ملاک تعیین قیمت عبارت است از بهای عادلانه روز تقویم اراضی و ابنیه و تأسیسات و حقوق و خسارات مشابه واقع در حوزه عملیات طرح بدون در نظر گرفتن تأثیر طرح در قیمت آنها.»

معصومه (علیهاالسلام) یا سایر موقوفات، املاکی به صورت ورزشگاه یا سایر تأسیسات در اختیار وزارت ورزش و جوانان باشد، تکلیفشان چیست و باید با آنها چه کار کرد؟ [آیا وزارت ورزش و جوانان] ملزم است آنها را به متولیان اصلی اش برگرداند؟ در این مصوبه [برای پاسخ به چنین سؤالاتی] مطلبی وجود ندارد، مگر اینکه با استناد به کلیات بگوییم وزارت ورزش و جوانان باید با متولیان این موقوفات کنار بیاید.

آقای جنتی - اشکال عمده‌ای که در گزارش مرکز تحقیقات آمده، همان است که مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان هم به آن اشاره کرده است و آن این است که این مصوبه از نظر شرعی اشکال دارد.^۳ [وزارت ورزش و جوانان] نمی‌تواند بدون جلب رضایت مردم، اموال آنها را در اختیار خود بگیرد. اشکال اصلی ما به این مصوبه، همین بحث انتقال اموال مردم به دولت است. این مصوبه، [از این جهت] خلاف شرع است.

آقای یزدی - نه، خلاف شرع نیست. این مصوبه می‌خواهد بگوید اگر وزارت ورزش و جوانان به ورزشگاه [یا سازه‌ی دیگری که در زمین غیر ایجاد شده و تابع وزارت ورزش و جوانان است] احتیاج دارد، مالک، آن ملک را در قبال دریافت پول، به دولت واگذار کند. مصوبه نمی‌گوید وزارت ورزش و جوانان املاک دیگران را مجانی یا به زور از آنها بگیرد.

آقای جنتی - خب، [بالاخره در انتقال املاک به وزارت ورزش و جوانان] رضایت مالک شرط است یا نه؟
آقای یزدی - بله، رضایت مالک شرط است. اینجا هم مثل سایر کارهای دولت است که در مواردی که دولت به املاک کسی نیاز دارد، به او می‌گوید ملک را در قبال گرفتن عوض یا پول آن به من واگذار کن. بعد از این مرحله اگر مالک راضی به واگذاری ملک خود نشد، دولت می‌تواند آن را [از طریق دیگری] از او بگیرد.

آقای علیزاده - آقایان، توجه بفرمایید. صدر ماده واحده می‌گوید: «کلیه احکام قطعی خلع ید و ... که در اراضی متعلق به غیر،

۳- «۱- متوقف نمودن و جلوگیری از اجرای احکام قطعی دادگاه‌ها جایز نبوده و خلاف شرع می‌باشد.

۲- با قطع نظر از نقض حکم دادگاه‌ها، اطلاق ماده واحده، مستلزم تجویز تصرف عدوانی در ملک غیر بوده و خلاف شرع می‌باشد؛ زیرا اطلاق آن شامل موردی هم می‌شود که متصرفین خودشان هم بدانند که بدون مجوز شرعی در ملک غیر تصرف شده است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۲/ف/۶۰۱، مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۰، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/u2hc>

آقای یزدی - کارشناسان مرکز تحقیقات شورای نگهبان به این مصوبه چند اشکال گرفته‌اند. اشکال اول آنها این است که این مصوبه قضایی است و دولت نباید مستقلاً لایحه‌ی اولیه‌ی آن را تهیه می‌کرد؛ چون [با توجه به نظریه‌ی تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان]، تهیه‌ی لویح قضایی در صلاحیت رئیس قوه قضائیه است؛^۱ اما ظاهراً این مصوبه، قضایی نیست [که چنین اشکالی وارد باشد].

آقای علیزاده - چرا، قضایی است دیگر. اجرای احکام طبق قانون اساسی از وظایف دادگستری است.

آقای یزدی - بله، اجرای احکام از وظایف دادگستری است، ولی اصل این مصوبه، قضایی نیست.

آقای مؤمن - چرا دیگر، [این مصوبه، قضایی است].

آقای یزدی - این مصوبه، قضایی نیست و فقط یک تبصره‌ی آن [دارای ماهیت] قضایی است. اشکال آقایان کارشناسان مرکز تحقیقات شورای نگهبان این است که می‌گویند لویح قضایی را باید قوه قضائیه تهیه کند، [در حالی که] این لایحه را دولت تهیه کرده است. ظاهراً این اشکال آنها وارد نیست؛ چون این لایحه، قضایی نیست. فقط تبصره (۱) آن که گفته است «در صورت عدم حصول توافق، بهای زمین ... تعیین، پرداخت و سند آن به نام دولت به نمایندگی وزارت مربوطه تنظیم می‌شود»، یک دستور قضایی است که می‌گوید چه کار باید بکنند.

اشکال دیگر آنها این است که این مصوبه در مورد اراضی موقوفه ابهام دارد و وضعیت آنها را دقیقاً مشخص نکرده است.^۲ این اشکال، واقعاً درست است و تکلیف اراضی موقوفه در این مصوبه مشخص نشده است. مثلاً اگر از موقوفه‌هایی مثل موقوفه‌های آستان مقدس امام رضا (علیه‌السلام)، حضرت

۱. «باتوجه به بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی و نظر تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان، تهیه لویح قضایی تنها در صلاحیت رئیس قوه قضائیه می‌باشد و دولت نمی‌تواند مستقلاً لایحه قضایی تنظیم کند و آن را به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب نهایی ارسال نماید. بنابراین مصوبه حاضر که لایحه آن توسط قوه قضائیه تهیه نشده است، مغایر با اصل (۱۵۸) و نظر تفسیری شورای نگهبان می‌باشد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۲۰۰۴، مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۰، ص ۱، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/SUDX>

۲. «مصوبه از این جهت که شامل «اراضی و املاک موقوفه» نیز می‌شود یا خیر، واجد ابهام است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۲۰۰۴، مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۰، ص ۲، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/SUDX>

آقای علیزاده - قضایی بودن ماهیت این مصوبه، محرز است. در مورد املاک اوقافی هم حداقل این ابهام وجود دارد که آیا این مصوبه شامل اراضی و املاک موقوفه هم می‌شود و آیا این مصوبه می‌خواهد بگوید اموال وقفی هم [توسط وزارت ورزش و جوانان] خریداری شود؟ بالاخره این ابهام وجود دارد؛ مگر اینکه در توجیه این عبارت ماده واحده که می‌گوید: «وزارت ورزش و جوانان موظف است ظرف مدت مذکور با مالکین اراضی ... توافق نماید»، مطلب دیگری بگوییم.

آقای یزدی - مثلاً بگوییم وزارت ورزش و جوانان می‌تواند این اراضی و املاک را از مالکان آنها [اجاره کند].

آقای علیزاده - بله، [وزارت ورزش و جوانان به منظور تداوم تصرفات خود] مثلاً می‌تواند پذیره بدهد و یا این اراضی و املاک را اجاره کند. [هرچند] ممکن است [این‌گونه راهکارها برای اجرای این مصوبه] وجود داشته باشد، ولی از جهت قضایی بودن، [ایراد اصلی عدم تهیه لایحه توسط قوه قضائیه همچنان باقی است]. البته اینکه در صدر ماده واحده هم آمده است: «اجرای کلیه احکام قطعی خلع ید و ... برای مدت دو سال متوقف می‌شود»، این‌طور نیست که این کار واقعاً فقط دو سال طول بکشد. [دولت] ممکن است توافق با مالکان را حتی مثلاً تا چهار سال هم طول بدهد. بعد از این مدت هم ممکن است باز مالک راضی نشود و بگویند باید کارشناس بیاید و تعیین تکلیف کند. بعد از صدور نظر کارشناسی هم [طبق ذیل تبصره (۱)] دولت باید طی شش ماه بهای ملک را به مالک آن بدهد، در غیر این صورت دوباره کار به دادگستری کشیده می‌شود تا دادگستری دولت را الزام کند که حکم را اجرا کند. اینها هم هست، ولی خب به هر حال دولت هم در تنگنا است، ورزش کردن هم که واجب شرعی است! آقای سلیمی، شما [نظرتان را] بفرمایید.

آقای سلیمی - [با تأیید این مصوبه] جلوی اجرای احکامی که از سوی محاکم قضایی به نفع شخص یا نهادی صادر شده است، گرفته می‌شود. در واقع ارباب رجوعی که برای احقاق حقوقشان به محاکم قضایی مراجعه کرده و دستگاه قضایی هم به نفعشان حکم صادر کرده و خواستار اجرای حکم هستند، با اجرای این مصوبه، جلوی احقاق حقوق آنها گرفته می‌شود. [مجلس و دولت] بدون در نظر گرفتن مشکلاتی که تصویب این‌گونه مصوبه‌ها برای دستگاه قضایی کشور ایجاد می‌کند، در تصویب این لایحه حتی نظر رئیس قوه قضائیه را هم که مسئول

احداث شده است برای مدت دو سال متوقف می‌شود.» پیام اصلی این عبارت این است [که احکام قضایی صادره اجرا نشود]. این مصوبه با این وضعیت چطور قضایی نیست؟! پس اولاً این مصوبه، قضایی است و دوم اینکه، شما [فقهای محترم شورای نگهبان]، قبلاً در مصوبه‌ای که مربوط به اموال وزارت آموزش و پرورش بود، قبول کردید که اجرای چنین احکامی متوقف بشود.^۱ من نمی‌دانم این کار از جهت شرعی [درست بوده است یا نه]، اما شما در آنجا از جهت شرعی این مطلب را قبول کرده‌اید که اموال کسانی که علیه آموزش و پرورش حکم گرفته‌اند، برای مدت شش ماه، یک سال یا دو سال اجرا نشود. حالا در این مورد هم از جهت شرعی بفرمایید [که این مصوبه را مغایر شرع می‌دانید یا نه].

آقای یزدی - نه، اینجا دو بحث مطرح است. یک بحث در مورد اصل قانون اجرای احکام خلع ید است؛ بحث دیگر هم این است که آیا می‌توان اجرای این احکام را برای مدتی متوقف کرد تا رضایت مالکان آنها فراهم شود یا نه؟

آقای علیزاده - بله، من هم همین را می‌گویم. شما قبلاً قبول کرده‌اید که [اجرای احکام قلع ساختمان‌های آموزشی و پرورشی تابع وزارت آموزش و پرورش] برای مدتی متوقف شود. **آقای یزدی -** بله.

۱. ماده (۱) قانون ممنوعیت قلع ساختمان‌های آموزش و پرورش تابع وزارت آموزش و پرورش، مصوب ۱۳۸۴/۱۰/۱۸ مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۸۵/۷/۴ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام با انجام تغییراتی موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد، به شرح زیر است: «ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون، اجرای احکام قلع ساختمان‌های آموزشی و پرورشی تابع وزارت آموزش و پرورش تا پایان برنامه چهارم توسعه متوقف می‌شود. مدت مذکور قابل تمدید نمی‌باشد.»
گفتنی است ماده (۱) مصوبه‌ی مجلس، ابتدا از سوی شورای نگهبان مغایر با موازین شرع شناخته شد و سپس با اصرار مجلس بر نظر خویش، برای رفع اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع گردید. متن ماده (۱) و ایراد شورای نگهبان نسبت به آن، به شرح زیر بوده است:
«ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون، اجرای احکام قلع ساختمان‌های آموزشی و پرورشی تابع وزارت آموزش و پرورش توسط مراجع قضایی تا دو سال و شش ماه از تاریخ صدور حکم ممنوع است.»
نظر شماره ۸۴/۳۰/۱۳۷۰۰ مورخ ۱۳۸۴/۸/۱۵ شورای نگهبان در خصوص لایحه ممنوعیت قلع ساختمان‌های آموزشی و پرورشی تابع وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۸۴/۷/۲۶: «ماده (۱) از این جهت که ناظر بر عدم اجرای احکام قطعی قضایی است و توقف احکام قضایی صادره علاوه بر ضرورت وجود دلایل کافی شرعی و قانونی نیازمند است تا مراحل قانونی آن از جهت شکلی طی شود، خلاف شرع می‌باشد.»

آن زمان در اختیار دولت بوده است، ولی دولت آنها را از مالکانشان نگرفته است. چرا نگرفتند؟ حالا با این مصوبه می‌گوید دو سال [اجرای احکام قطعی خلع ید را] به تأخیر بیندازد.

آقای علیزاده - [طبق ماده واحده این مصوبه، احکام قطعی خلع ید] تا دو سال اجرا نمی‌شود.

آقای سلیمی - [صدر ماده واحده می‌گوید تا دو سال] اجرا نکند. این طوری بعد از گذشت دو سال [تازه باید به همان قانون قبلی عمل کنیم]. حضرت آیت‌الله یزدی قبلاً در نماز جمعه جمله‌ای ایراد فرمودند که من همیشه آن را به یاد دارم. ایشان فرمودند، تا حالا می‌شنیدیم که به ارباب رجوع می‌گویند برو فلان روز بیا جوابت را بگیر، اما حالا می‌گویند برو فلان روز بیا تا بگیریم کی بیا جوابت را بگیر! ماجرای این مصوبه هم همین‌طور است؛ یعنی [به ارباب رجوع می‌گویند:] اجرای حکم قطعی تا دو سال معطل بماند. بعد از دو سال بیا تا بنشینیم و فکر کنیم که با این حکم قطعی چه کار باید کرد! خوب، این طوری حقوق مردم ضایع می‌شود. شورای نگهبان چطور می‌تواند تضییع حقوق مردم را تأیید کند و بر آن صحنه بگذارد؟ [از طرف دیگر،] مسئله‌ی مورد بحث در این مصوبه، ورزش است و همان‌طور که آقای علیزاده می‌فرمایند ورزش واجب و برای سلامتی مردم لازم است، اما ظاهراً رعایت حقوق مردم لازم‌تر و مهم‌تر است. بنابراین، اگر میان ورزش و حقوق مردم تراحم و تعارضی هم پیش بیاید، اول باید حقوق مردم را رعایت کنیم و بعداً به مسئله‌ی ورزش بپردازیم.

آقای امیری - با توجه به مفاد ماده واحده در اینکه این مصوبه، قضایی است، تردیدی نیست. [احکام قضایی] بحثی است که کاملاً مربوط به دستگاه قضایی است؛ آن هم نه به این صورت که فقط ابتدائاً مربوط به دستگاه قضایی باشد، [بلکه] موضوعی است که در دستگاه قضایی [مراحل مختلفی را گذرانده و به انتها رسیده است]؛ در دادسرا و دادگاه [بدوی] و دادگاه تجدیدنظر رسیدگی شده و نهایتاً به دیوان عالی کشور رفته است [و حکمش قطعی شده است]. منظور از «اجرای کلیه احکام قطعی» در صدر ماده واحده، احکامی است که کلیه فرآیندهای دادرسی در دستگاه قضایی را طی کرده و الآن در مرحله‌ی اجراست.

آقای یزدی - مفاد مصوبه چیست [که قضایی باشد]؟!؟

آقای علیزاده - عدم اجرای احکام قطعی قضایی.

مجموعه‌ی قضایی کشور است، بنابراین، با اجرای این مصوبه مشکلی که برای رئیس قوه‌ی قضائیه ایجاد می‌کنیم این است که از او می‌خواهیم اجرای احکام را دو سال عقب بیندازد و ارباب رجوع را هم منتظر بگذارد تا بعداً که ببینیم چه پیش خواهد آمد. بعداً هم اصلاً معلوم نیست حقوق ارباب رجوع به او داده می‌شود یا نه. در اینکه گفته می‌شود این مصوبه، قضایی است هم ظاهراً بحثی نیست. به نظر من برای تصویب و تأیید نهایی این لایحه، دولت و مجلس باید نظر رئیس قوه‌ی قضائیه را هم بگیرند که آیا قوه‌ی قضائیه می‌تواند این مصوبه را عملی کند یا اینکه اجرای این لایحه برای دستگاه قضایی کشور نارضایتی عمومی - چنانچه در این زمینه احکام زیادی صادر شده باشد - ایجاد خواهد کرد.

مسئله‌ی بعدی هم مطلبی است که آقایان فقها می‌فرمایند و ما پای درس اساتید تلمذ کرده و یاد گرفته‌ایم که اختیار اموال مردم با خودشان است. با این مصوبه به مردم می‌گویند اموالتان را به همان قیمتی که ما می‌گوییم باید به ما بفروشید!

آقای کدخدایی - [خرید اراضی توسط دولت] قانون دارد. قبلاً [هم چنین مواردی] داشته‌ایم.

آقای سلیمی - خوب، اگر [خرید اراضی] قانون دارد، چرا دولت دوباره برای آن لایحه داده است؟ برود و طبق همان قانون عمل کند. پس معلوم می‌شود آن قانون کافی نیست.

آقای کدخدایی - [تبصره (۱) همین مصوبه] گفته است که دولت باید بر اساس لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب عمل کند.

آقای سلیمی - پس بروند بر اساس آن قانون، املاک را بگیرند.

آقای مؤمن - محتوای تبصره با صدر مصوبه [= ماده واحده] یکی نیست.

آقای سلیمی - دولت بر اساس آن قانون نتوانسته [اراضی متعلق به غیر را از مالکان آنها] بگیرد و اگر می‌توانست تا حالا این کار را کرده بود. بنابراین، الآن می‌خواهد با این مصوبه، این املاک را بگیرند؛ یعنی [برای تملک املاک غیر]، این مصوبه را پشتیبان آن قانون قرار دهد. با اجرای این مصوبه، احکام قطعی خلع ید دو سال به تأخیر می‌افتد و طی این مدت حقوق مردم ضایع می‌شود. با وجود قانون [= لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت] مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب، این واحدها و اراضی از

نیست. در آنجا دو راه برای حل مشکل زمین‌های تحت تصرف دولت پیش‌بینی شده است: اگر تصرف زمین فوریت داشت، با نظر وزیر [مربوطه] می‌شود طی فرآیندی آن را تملک کرد و پولش را به مالک پرداخت کرد؛ اگر هم تصرف فوریت نداشت، دولت ابتدا آگهی می‌دهد و سپس زمین‌ها را تملک می‌کند. اما این مصوبه با کیفیتی که دولت و مجلس آن را تهیه کرده‌اند، به اعتقاد من اولاً قضایی است؛ ثانیاً اجرای احکام قطعی را که فرایند دادرسی را طی کرده و حکم قطعی‌اش صادر شده و ذی‌حق بودن قطعی صاحب ملک احراز شده را متوقف می‌کند؛ ثالثاً مفاد این لایحه به هر حال مداخله در امر قضا است. به اعتقاد من این اشکالات در این لایحه وجود دارد.

آقای علیزاده - [در مورد تفاوت] تخلیه و خلع ید باید عرض کنم که در نظام حقوقی ما، خلع ید مربوط به مواردی است که غضب ابتدایی باشد ولی تخلیه برای مواردی است که عمل انجام‌شده در حکم غضب است؛ مانند زمانی که مدت اجاره خاتمه پیدا کرده باشد. در ماده (۳۰۸) قانون مدنی، غضب این‌طور تعریف شده است: «غضب، استیلا بر حق غیر است به نحو عدوان. اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غضب



سریعاً و بدون رعایت تشریفات ثبتی اقدام و در مواردی که علی‌رغم صدور سند اراضی به نام دولت، اقدامات دستگاه‌های ذی‌ربط به‌وسیله مراجع ذی‌صلاح ابطال شده یا بشود و یا نوع زمین به موجب رأی دادگاه تغییر یافته یا بیابد، اسناد صادره را به نام دولت و یا خریداران اراضی از دولت، حسب مورد، با ذکر مراتب در ستون ملاحظات دفتر املاک تنفیذ و اخبار نماید. در مواردی که امکان صدور سند به نام خریداران وجود دارد رأساً بایستی به نام خریداران اراضی از دولت سند صادر شود.

الف- زمین‌هایی که به وسیله بنیاد مسکن انقلاب اسلامی با نهادهای انقلاب اسلامی و عنوان‌های مشابه و وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان‌های عمران اراضی یا سازمان زمین‌شهری) واگذار شده و طبق اعلام وزارت مسکن و شهرسازی در آن احداث بنا به عمل آمده؛ وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است بهای منطقه‌ای زمان ابلاغ این مصوبه در خصوص اراضی غیر موات را به صاحبان حق پرداخت نماید. همچنین است در مورد زمین‌هایی که طراحی آماده‌سازی انجام و به مردم تخصیص داده شده است.

ب- زمین‌هایی که وزارت مسکن و شهرسازی عملیات آماده‌سازی را در آنها انجام داده لکن به مردم تخصیص داده نشده است؛ در این صورت بهای کارشناسی روز این‌گونه اراضی به تاریخ این مصوبه بدون در نظر گرفتن ارزش‌های ناشی از ورود زمین به محدوده بر اساس تصمیم مراجع ذی‌صلاح و اقدامات اجرایی دولت و عملیات آماده‌سازی که از زمان شروع به تملک دولت صورت گرفته به مالک پرداخت و یا معادل آن به بهای تمام شده زمین به مالک واگذار گردد.»

آقای امیری - عدم اجرای احکام قطعی قضایی خلع ید و قلع و قمع. **آقای یزدی** - مفاد مصوبه قضایی نیست و فقط می‌خواهد بگوید اجرای حکمی که قوه قضائیه داده است تا شش ماه به تأخیر بیفتد.

آقای امیری - خب حاج‌آقا، همین [به معنای قضایی بودن لایحه است].

آقای یزدی - مفادش این است. این لایحه، قضایی نیست.

آقای ره‌پیک - نه حاج‌آقا، [این‌طور نیست].

آقای یزدی - حالا شما آن را قضایی در نظر بگیرید. بالاخره این نظر شماست، ولی من می‌گویم قضایی نیست.

آقای امیری - وقتی کار ارباب‌رجوع به جایی رسیده که می‌خواهد نتیجه بگیرد و حکم قضایی به نفع او اجرا شود، قانون دیگری تصویب می‌شود که می‌گوید این حکم فعلاً اجرا نشود. به نظر من اولاً این مصوبه، قضایی است و ثانیاً مداخله در امر قضاوت است؛ چون دستگاه قضایی با توجه به صلاحیت قانونی خود به پرونده‌ای رسیدگی کرده است، اما زمان اجرای حکم لایحه‌ی مصوب دولت و مجلس می‌خواهد جلوی اجرای حکم را بگیرد. این مصوبه از این نظر اشکال دارد. حکم ممنوعیت قلع ساختمان‌های آموزش و پرورش که قبلاً راجع به مدارس داده شده بود، در مورد تخلیه‌ی [املاک غیر] بود،^۱ اما در اینجا بحث خلع ید مالک مطرح است. حاج‌آقا، عنوان این لایحه می‌گوید: «خلع ید و قلع و قمع». این «خلع ید» در مواردی اتفاق می‌افتد که تصرف دیگری غاصبانه است یا غضب ابتدایی است یا اینکه مدت حق تصرف تمام شده و ید متصرف، ید غاصبانه شده است. «قلع و قمع» در عرف قضایی هم دقیقاً در جایی استفاده می‌شود که تصرف عدوانی باشد. مورد این لایحه جزء موارد «قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها»^۲ هم

۱. ماده (۱) قانون ممنوعیت قلع ساختمان‌های آموزش و پرورش تابع وزارت آموزش و پرورش، مصوب ۱۳۸۴/۱۰/۱۸: «ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون، اجرای احکام قلع ساختمان‌های آموزشی و پرورشی تابع وزارت آموزش و پرورش تا پایان برنامه چهارم توسعه متوقف می‌شود. مدت مذکور قابل تمدید نمی‌باشد.»

۲. قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها، در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسه مورخ ۱۳۷۰/۱۲/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و طی ماده واحده‌ای به شرح زیر به تصویب رسیده است:

«ماده واحده- در خصوص اراضی مشمول اقدامات زیر سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است چنانچه تاکنون اسناد مالکیت آنها به نام دولت صادر نشده، نسبت به صدور اسناد مذکور با نمایندگی سازمان زمین‌شهری،



مردم بعد از چند سال پیگیری شکایتشان در دادگستری و گرفتن حکم از آن، چندین ماه هم منتظر اعمال ماده (۱۸) از سوی رئیس قوه قضائیه می‌مانند. بعد از آن وقتی اعتراض دولت از طریق اعمال ماده (۱۸) هم رد شد، موقع اجرای حکم که می‌رسد، [باز طبق این مصوبه، به آنها] می‌گویند: حکم را به مدت دو سال نمی‌شود اجرا کرد! بعد از دو سال هم اگر [وزارت ورزش و جوانان] با مالکین اراضی و املاک به توافق نرسیدند، تازه «لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی» مصوب سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب را اعمال کنند. طبق آن قانون هم نیاز به صدور آگهی و اعلام نظر کارشناسان رسمی و ... است.^۳ پس از گذشت این مراحل، طبق تبصره (۱) مصوبه‌ی فعلی، دولت شش ماه وقت دارد تا بهای زمین مالک را بدهد. قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها هم که می‌گوید در چنین مواردی دولت باید ظرف مدت هجده ماه بهای ملک را به مالک بدهد.^۴ این سیر، یعنی اصلاً حکم چنین پرونده‌هایی در عمل قابل اجرا نیست! به نظر من ما نباید این مصوبه را که از هر جهت خلاف است، تأیید کنیم. بنابراین بهتر است [اگر مجلس اصراری هم بر تصویب این لایحه دارد، به دلیل مغایرت با شرع

→

عالی کشور رسیدگی می‌شود.

تبصره ۴- پرونده‌هایی که قبل از لازم‌الاجراء شدن این قانون به شعب تشخیص وارد شده است، مطابق مقررات زمان ورود رسیدگی می‌شود.

پس از رسیدگی به پرونده‌های موجود، شعب تشخیص منحل می‌شود.

تبصره ۵- آرائی که قبل از لازم‌الاجراء شدن این قانون قطعیت یافته است، حداکثر ظرف سه ماه و آرائی که پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون قطعیت خواهد یافت، حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ قطعیت قابل رسیدگی مجدد مطابق مواد این قانون می‌باشد.

تبصره ۶- از تاریخ تصویب این قانون، ماده (۲) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۸ و سایر قوانین مغایر لغو می‌شود.^۵

۳. ماده (۴) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت.

۴. ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۷/۸/۲۹: «کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها، نهادها، شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت و شهرداری‌ها و مؤسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام باشد، مکلف می‌باشند در طرح‌های عمومی یا عمرانی که ضرورت اجرای آنها توسط وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی با رعایت ضوابط مربوطه تصویب و اعلان شده باشد و در اراضی و املاک شرعی و قانونی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی قرار داشته و در داخل محدوده شهرها و شهرک‌ها و حریم استحفاظی آنها باشد، پس از اعلام رسمی وجود طرح، حداکثر ظرف مدت هجده ماه نسبت به انجام معامله قطعی و انتقال اسناد رسمی و پرداخت بها یا عوض آن طبق قوانین مربوطه اقدام نمایند.»

است.» بنابراین آنچه در اینجا آمده، اثبات ید بدون مجوز بر مال دیگران، بعد از اتمام مدت [مجاز استفاده از مال] است.

به نظر من این مصوبه یک ایراد دیگر هم دارد که شورای نگهبان قبلاً همان ایراد را در مورد احکام صادره از دیوان عدالت اداری گرفته بود. در آنجا آمده بود در مواردی که از طرف دیوان عدالت اداری حکمی صادر شده است، اشخاص حق اعتراض دارند که این نوع احکام اجرا نشود و حتی دوباره مورد بررسی قرار گیرد. در آنجا شورای نگهبان این‌طور نظر داده بود که مجلس نمی‌تواند چنین مصوبه‌ای داشته باشد. در نهایت هم این مصوبه برای اظهار نظر نهایی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد.^۱

الآن واقعاً این موضوع برای مردم تبدیل به یک مصیبت شده که بعد از طی یک فرایند مهم و مشکل در دادگستری، نمی‌توانند حکمی که علیه دولت و به نفعشان صادر شده را اجرا کنند. من خودم این موضوع را به رئیس قوه قضائیه و دیگر مسئولین تذکر دادم. البته خود رئیس قوه قضائیه [= آیت‌الله آملی لاریجانی] هنگامی که به جلسه‌ی شورای نگهبان تشریف آورده بودند، گفتند که من هر چه حکم علیه دولت باشد [و دولت تقاضای رسیدگی مجدد با توجه به ماده (۱۸) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب داشته باشد]، آن را می‌پذیرم و دستور رسیدگی مجدد به آن را صادر می‌کنم.^۲ با این وضعیت،

۱. در جست‌وجوی انجام‌شده در منابع و مدارک در دسترس، مستند اظهار نظر فوق، یافت نشد.

۲. ماده (۱۸) قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۲۴: «ماده ۱۸- آرای غیرقطعی و قابل تجدیدنظر یا فرجام، همان است که در قانون آیین دادرسی ذکر گردیده، تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی طبق مقررات آیین دادرسی مربوط انجام خواهد شد. آرای قطعی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نظامی و دیوان عالی کشور، جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر گردیده، قابل رسیدگی مجدد نیست، مگر در مواردی که رأی به تشخیص رئیس قوه قضائیه، خلاف بین شرع باشد که در این صورت، این تشخیص به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی محسوب و پرونده حسب مورد به مرجع صالح برای رسیدگی ارجاع می‌شود.

تبصره ۱- مراد از خلاف بین شرع، مغایرت رأی صادره با مسلمات فقه است و در موارد اختلاف نظر بین فقها ملاک عمل نظر ولی فقیه و یا مشهور فقها خواهد بود.

تبصره ۲- چنانچه دادستان کل کشور، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و رؤسای کل دادگستری استان‌ها مواردی را خلاف بین شرع تشخیص دهند، مراتب را به رئیس قوه قضائیه اعلام خواهند نمود.

تبصره ۳- آراء خلاف بین شرع شعب تشخیص، در یکی از شعب دیوان

←

مال را به تصرف خود درآورد، اما این قانون می‌خواهد اساساً آن اصل اولی و آن حق را [در موارد ذکر شده در این مصوبه] بردارد.

آقای یزدی - بعد از صدور حکم قضایی؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - فرقی نمی‌کند چه قبل و چه بعد از صدور حکم. این مصوبه نمی‌خواهد بگوید حکم قضایی درست نیست، [بلکه] می‌خواهد بگوید اصل [حرمت مال مؤمن را در این مورد خاص] برداشتیم. حال اگر شما قبول کردید که قانون می‌تواند افراد را - ولو راضی نباشند- از تصرف در اموال خودشان منع کند یا آنها را مجبور کند که املاکشان را به قیمت کارشناسی یا قیمت روز بفروشند و دولت می‌تواند با این قیمت، املاک مردم را از آنها بخرد، [این مصوبه ایرادی ندارد]. اگر قانون چنین حقی را داشت - که دارد- این مصوبه [ایرادی ندارد و اصلاً] به قضاوت کاری ندارد؛ [زیرا این مصوبه] می‌گوید درست است که قاضی احکامی صادر کرده، ولی من می‌خواهم اصل [و مبنایی که حکم قضایی بر اساس آن صادر شده] را بردارم؛ قانون‌گذار با این توجیه که چون مثلاً این زمین‌ها مورد نیاز دولت است و این نیاز هم ضروری است، می‌گوید من با این قانون، در این موارد [استثنائاً] حق مالکین را نسبت به زمین‌هایشان می‌گیرم [و با این شرایط، به دولت واگذار می‌کنم]. بنابراین دیگر در مورد این زمین‌ها، حکم قضایی، موضوع ندارد [چون اصل اولی حرمت تصرف در اموال دیگران بدون رضایت آنها وجود ندارد]. این مصوبه این‌طور است و اگر مفاد آن را قبول کنیم، منافاتی با حکم قضایی ندارد؛ [چون] دخالت در صدور احکام قضایی یعنی اینکه مثلاً به قاضی بگویند آقای قاضی، حکم شما در اینجا اشتباه است یا مثلاً حکمت را عوض کن و آن را جور دیگری صادر کن؛ این می‌شود دخالت در امور قضایی. ولی این مصوبه این کار را نکرده است [که بگوییم در امور قضایی دخالت کرده است]. این مصوبه می‌خواهد بگوید حق مالکیت شخص نسبت به اموالش، تام نیست، بلکه به نحوی است که مالک مجبور است طبق نظر دولت، پولی که دولت معین کرده را بگیرد و ملکش را به دولت واگذار کند. بنابراین، موضوع احکام قضایی کلاً برطرف می‌شود. مفاد مصوبه همین است. این موضوع با حکم قضایی منافاتی ندارد.

آقای یزدی - بله، همین‌طور است.

آقای مدرسی‌یزدی - اجازه می‌فرمایید.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اگر اصلش [= امکان جعل قانون

و قانون اساسی] آن را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع بدهد. آقایان بروند مجمع و نظر آنجا را بگیرند. این واقعاً درست نیست که مردم را این‌طور اذیت کنیم. توجیهی که برای تصویب قانون ممنوعیت قلع ساختمان‌های آموزش و پرورش تابع وزارت آموزش و پرورش داشتند این بود که [اگر مدارس تخریب شود]، بچه‌های مردم را باید از مدارس بیرون انداخت [که این امر، منجر به بروز مشکلات آموزشی و ... برای آنها می‌شود]. حالا ما نمی‌گوییم مردم را از اماکن ورزشی هم بیرون کنند، [اما برای حفظ اماکن ورزشی این‌گونه نمی‌شود حقوق مردم را تضییع کرد]. حالا هم که دادگستری به دولت می‌گوید املاک مردم را تخلیه کنید، [این مصوبه می‌خواهد جلوی اجرای حکم دادگاه را بگیرد!] حالا ما نمی‌گوییم دولت املاک مردم را تخلیه کند، ولی لاقلاً بهای آن را به مالکان بدهد. دولت که از سهام [عدالت] گرفته تا موارد دیگر دارد به مردم پول می‌دهد، بهای این املاک را هم بدهد.

بنابراین من از دو جهت به این مصوبه اشکال دارم: اول اینکه تصویب آن مداخله در امور قضاست و دوم اینکه این لایحه، قضایی است و می‌خواهد اجرای حکمی را که صادر شده و دستگاه قضایی باید آن را اجرا کند، متوقف کند؛ در حالی که [فقط] قاضی می‌تواند با وجود شرایطی اجرای آن را برای مدتی محدود متوقف کند. حالا این مصوبه جلوی اجرای احکام قطعی قضایی را گرفته است. اصلاً مگر مقنن می‌تواند حکم قضایی را متوقف کند؟ بنابراین، اصلاً این مصوبه مداخله در امر قضاست و به نظر من اشکال مصوبه هم همین است.

آقای امیری - البته قضات هم غالباً در اجرای احکام مراعات افراد [محکوم‌علیه] را می‌کنند و برای اجرای احکام فرصت می‌دهند.

آقای علیزاده - بله، قضات برای اجرای احکام فرصت می‌دهند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این مصوبه دارد موضوع قضا را رفع می‌کند [و لذا دخالتی در امر قضا ندارد]. قاضی طبق قانون حکم صادر می‌کند. [توضیح اینکه] اگر این مصوبه از صدور احکام قضایی خلع ید و قلع و قمع جلوگیری می‌کرد، محاکم و قضات دیگر نمی‌توانستند این قبیل احکام را صادر کنند. اما این مصوبه به قضاوت کاری ندارد، بلکه می‌خواهد بگوید اگرچه اصل اولی این است که اموال افراد، حرمت دارد و تصرف در اموال دیگران بدون مجوز حرام است و هیچ‌کس حق ندارد مال دیگری را بگیرد، مگر اینکه [با رضایت مالک مال،] با پرداخت بهای آن، آن

هم نشده است. بعضی اشکالات دیگر هم به این مصوبه وارد است که آقایان دیگر گفتند. به هر حال این مصوبه با این روش و این کلیت خلاف شرع است. اگر نمایندگان مجلس در ماده واحده قید می‌کردند که در صورت ضرورت و در موارد بروز اختلال در جامعه، حکم خلع ید متوقف شود و این مسئله هم به تشخیص یک انسان دارای اهلیت واگذار می‌شد، ما این مصوبه را تأیید می‌کردیم، ولی با این کلیت چون خلاف شرع است، قابل تأیید نیست.

آقای جنتی - مسئله‌ی دیگری که در کنار این مطالب باید مد نظرمان باشد، مدت توقف اجرای احکام است که در اینجا دو سال در نظر گرفته شده است. مبنای تعیین دو سال چیست؟ اگر نمایندگان مجلس این مدت را مثلاً یک سال در نظر می‌گرفتند، چه تفاوتی می‌کرد؟ اگر توقف اجرای احکام ضروری است، خب در ظرف یک سال کارهای مربوط به این املاک را تمام کنند. چرا مصوبه می‌گوید مدت توقف اجرای احکام دو سال باشد؟

آقای مدرس‌یزدی - مصوبه نگفته است کار توافق با مالکان حتماً دو سال طول بکشد، [بلکه] گفته تا دو سال برای این کار وقت هست، ولی اگر مالکین زودتر از این موعد هم راضی به توافق شدند، عیبی ندارد.

آقای یزدی - عرض بنده این است: اولاً اینکه برخی آقایان می‌گویند این مصوبه قضایی است، به نظر من ماهیت این مصوبه اصلاً قضایی نیست؛ چون می‌گوید اجرای احکام قطعی قضایی به مدت دو سال به تأخیر بیفتد تا دولت و محکوم‌له در مورد وضعیت املاک مورد اختلاف به توافق برسند و از جهت تصرف دولت نسبت به این املاک، مسئله‌ی خلاف شرعی رخ ندهد. حاکم [= قاضی] حکمی صادر کرده است که باید این ورزشگاه [به علت داشتن مالک معارض] تعطیل شود [و یا به هر دلیل تخریب شود]. از آن طرف دولت هم می‌بیند بستن این ورزشگاه او را با مشکل مواجه می‌کند. این مصوبه می‌گوید دولت در طول این دو سال با مالک به توافق برسد و با پرداخت بهای آن با او مصالحه کند تا هم حق دولت رعایت شود و هم حق مالک زمین. ماهیت این مصوبه همین است و قضایی نیست، بلکه ماهیت این مصوبه، قانون‌گذاری است و هیچ اشکالی هم ندارد.

ثانیاً اینکه حاج‌آقای مدرس می‌فرمایند باید تک‌تک املاکی که دارای حکم قضایی هستند را ببینیم که [توقف اجرای احکام خلع و قمع و خلع ید، لازم است یا نه] مثلاً ورزشگاهی در کرمان یا

محدودکننده‌ی حقوق مالکیت افراد] درست نباشد، آن یک بحث دیگری است. اینکه بگوییم چه حق مالک باشد یا نباشد، اصلش درست نیست، آن یک بحث دیگری است.

آقای یزدی - [در این صورت،] ماهیت لایحه، قضایی نیست.

آقای هاشمی‌شاهرودی - [ماهیت لایحه،] ابداً قضایی نیست.

آقای مدرس‌یزدی - اینجا در ماده واحده آمده است: «اجرای کلیه احکام قطعی خلع ید و قلع و قمع ... متوقف می‌شود»؛ می‌گوید کلیه احکام. [سؤالی که این عبارت پیش می‌آورد این است که آیا نمایندگان مجلس] واقعاً تمام این نوع احکام را احصا کرده و دقیقاً فهمیده‌اند چند تا حکم این‌چنینی وجود دارد؟ بعد هم آیا ضرورت همه‌ی آنها را هم یکی‌یکی بررسی کرده و احراز کرده‌اند که اگر این احکام اجرا بشود، اختلالی در جامعه پیدا می‌شود؟ اصلاً مجلس این مصوبه را بر چه مبنایی تصویب کرده است؟ اگر در متن مصوبه‌ی مجلس به جای «کلیه احکام»، «مواردی» را مشخص کرده بودند، ممکن بود ما واقعاً تسلیم بشویم و بگوییم [با اجرای احکام خلع ید و قلع و قمع] در این موارد معدود ممکن است اختلالی در جامعه پیدا شود و باید فعلاً جلوی اجرای آنها را گرفت.

آقای علیزاده - [شناسایی موارد احکام قضایی صادرشده مبنی بر خلع ید و قلع و قمع، نیاز به] رسیدگی قضایی دارد.

آقای مدرس‌یزدی - حالا نه، ممکن است [روش‌هایی باشد که شناسایی آنها ممکن و] واضح باشد. [دولت] می‌تواند در مورد توقف اجرای بعضی از احکام خلع ید و قلع و قمع لایحه بدهد و لزومی ندارد به صورت کلی جلوی اجرای همه احکام صادرشده در سراسر کشور گرفته شود. ما واقعاً چطور می‌توانیم مسئله‌ای را که بدون ضرورت و مصلحت ملزمه، مجوز شرعی ندارد و کار حرامی است، [این چنین به صورت کلی] تصدیق و تأیید کنیم؟! این مصوبه حداقل باید قیدی داشته باشد مبنی بر اینکه این موضوع به تشخیص یک مسئول صلاحیت‌دار انجام شود که او در جایی که واقعاً یک اختلال و یک مشکل غیر قابل تحملی در جامعه پیدا می‌شود، [جلوی اجرای احکام خلع ید و قلع و قمع را بگیرد] و الا مطلب را به این سبک کلی گفتن، معلوم است که خلاف شرع است. وانگهی نمایندگان مجلس باید در این مصوبه قید کنند که با وجود ضرورت و شرایط لازم، اگر هم قرار شد اجرای حکمی مثلاً به مدت دو سال متوقف شود، دولت باید اجاره‌ی آن ملک یا اجرت‌المثل آن را طی دو سال به مالک آن پرداخت کند، ولی در اینجا ذکری از این مسئله

سیرجان یا اصفهان و ... ضرورتی ندارد. در راستای درخواست مالکینی که از وزارت ورزش و جوانان شکایت کرده‌اند، احکامی صادر شده است مبنی بر اینکه این وزارتخانه باید املاک شاکیان را تخلیه کند و این تأسیسات ورزشی تعطیل یا تخریب شوند. دولت هم که دیده است اجرای این مجموعه احکام صادر شده و تعطیلی این همه مجموعه‌های ورزشی بماهو، مسئله ورزش در کشور را دچار اختلال می‌کند، به‌گونه‌ای که مثلاً در حوزه مسائل بین‌الملل ورزشی با مشکل مواجه می‌شود، می‌خواهد جلوی اجرای این احکام را [موقتاً] بگیرد. البته تشخیص دولت نسبت به بروز اختلال در امر ورزش، نسبت به اجرای کل این احکام بوده است و گرنه ممکن است اجرای هر یک از این احکام، به صورت جداگانه، چنین ضرورتی را اقتضا نکند. البته تشخیص ضرورت این موضوع هم، قطعاً با دولت است. الآن دولت تشخیص داده است که اگر مجموع این احکام - نه تک‌تک آنها - اجرا شود، دولت قطعاً به مشکل برمی‌خورد. بنابراین، دولت برای جلوگیری از بروز این مشکل، لایحه‌ای به مجلس پیشنهاد داده است. مجلس هم ضمن بررسی و رسیدگی، تصویب کرده است که برای توافق دولت با مالکان دو سال - کمتر یا بیشتر شدن این زمان بحث دیگری است - به دولت مهلت داده شود تا در طول این مدت، دو طرف به نحوی با هم کنار بیایند که حقوق هر دو طرف رعایت شود. دولت یا باید املاک را از مالکان آنها بخرد یا آنها را اجاره کند یا اگر از املاک موقوفه است با تولیتش به نحوی که حقوق هر دو طرف رعایت شود، کنار بیاید. به نظر من این یک مسئله‌ی معقول، منطقی و درستی است. ما در خیلی موارد دیگر هم همین فرایند را قبول کرده‌ایم. حالا شما می‌فرمایید این مصوبه برای تأیید نهایی حتماً به مجمع تشخیص مصلحت نظام برود، حال آنکه الآن دولت این مصلحت را تشخیص داده است! مگر ما خودمان نمی‌توانیم تشخیص دهیم که اگر مثلاً همه‌ی صد حکم [خلع ید و قلع و قمع] صادر شده در کشور، واقعاً اجرایی شود، قطعاً برای تشکیلات دولت مشکل به وجود می‌آید؟! حالا با این وضعیت ما چطور بگوییم که نه، این مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت نظام برود و آنجا بگویند که این احکام برای دولت مشکل به وجود می‌آورد! به طور قطع، الان اجرای این احکام، برای دولت مشکلاتی به وجود آورده که برای حل آن لایحه تهیه کرده و به مجلس فرستاده است.

آقای علیزاده - اگر احکام [خلع ید و قلع و قمع] هم اجرا شود،

مشکلی به وجود نمی‌آید.

آقای یزدی - خیلی خوب، من و شما که نمی‌توانیم این موضوع را تشخیص بدهیم.

آقای مدرس یزدی - چرا نمی‌توانیم؟!

آقای یزدی - این‌گونه موارد را دولت [که در متن کارهای اجرایی است] می‌تواند تشخیص بدهد.

آقای علیزاده - چگونه این‌طور نتیجه‌گیری می‌کنید؟!

آقای یزدی - اجازه بدهید سخن بنده تمام بشود. ممکن است گفته شود اگر حکم تعطیلی یک ورزشگاه در تهران اجرا شد، عیبی ندارد؛ چون ورزشگاه‌های دیگری در تهران هست؛ اما منظور این مصوبه مجموعه‌ی کل احکام [خلع ید و قلع و قمع] است که [صادر شده است؛ یعنی فرض کنید صد نمونه از این احکام در سراسر کشور از طرف دستگاه قضایی به دولت ابلاغ شده است که آنها را باید اجرا کند. دولت می‌گوید من اگر بخواهم همه‌ی این احکام را اجرا کنم، خودم به مشکل برمی‌خورم. پس برای حل این مشکل از مجلس می‌خواهم به من راه‌حل بدهد. مجلس هم در جواب می‌گوید راه‌حل این است که دولت و مالکین ظرف مدت دو سال با هم بنشینند و مسئله را حل کنند. این یک مسئله‌ی معقول، منطقی و صحیحی است و قطعاً هم خلاف شرع نیست. بله، اگر بحث درباره‌ی تک‌تک این احکام باشد، حرف شما صحیح است، ولی مشکل دولت در اجرای مجموعه‌ی احکام [خلع ید و قلع و قمع] است، نه تک‌تک آنها به تنهایی. چون در اجرای مجموعه‌ی این احکام، در کل، برای دولت مشکل به‌وجود می‌آید. دولت برای حل این مشکل از قانون‌گذار کمک خواسته است. قانون‌گذار هم به‌عنوان راه حل، این مصوبه را ارائه داده و گفته است: شما به این کیفیت با مالکین کنار بیایید و حق دولت و مالک را رعایت کنید.

آقای ره‌پیک - بنده دو نکته خدمت شما عرض می‌کنم: یکی اینکه به نظر من هم این لایحه قضایی نیست؛ امر قضا، دو بخش ماهوی و شکلی دارد [که در موضوع مورد اشاره در این مصوبه، هر دو بخش طی شده است]؛ هم دادگاه از جهت ماهوی به موضوع رسیدگی کرده و هم از جهت شکلی، فرایند دادرسی طی شده است و حکم اجرا هم صادر شده است. البته در بعضی از موارد که تعلیق اجرای حکم یا توقف اجرای حکم مطرح می‌شود و صریحاً در قانون آمده است، آنها نیز امری قضایی است؛ ولی آنچه در این مصوبه آمده از آن نوع نیست؛ یعنی موضوع این مصوبه، از آن نوعی نیست که خود قاضی بتواند

رسیدگی تا ختم پرونده‌های قضایی، همه امر قضایی هستند، پس اینکه بگوییم این مصوبه قضایی نیست، صحیح نیست. از سوی دیگر، در قانون داریم که اگر شرایط خاصی اقتضا کند، خود قاضی می‌تواند اجرای احکام را برای مدتی متوقف کند و بگوید این حکم فعلاً اجرا نشود. اگر این مصوبه را بپذیریم، باید بپذیریم که اجرای احکام مربوط به قوه قضائیه نیست! بله، البته اجرای احکام می‌تواند به نهادهای اجرایی واگذار شود؛ یعنی قاضی مثلاً اجراییه برای حکم تخلیه را صادر کند و به پلیس بگوید تو این حکم را اجرا کن و مثلاً این فرد متصرف را از ملک بیرون کن. اما پلیس نمی‌تواند بگوید من [مستقلاً] تخلیه می‌کنم یا تخلیه نمی‌کنم. قوه قضائیه هم بعد از صدور حکم قضایی نمی‌تواند بگوید اجرای این حکم متوقف شود. همان‌طور که بعضی از آقایان هم فرمودند، مجلس می‌تواند بگوید موردی مورد این پرونده‌ها را قاضی بررسی کند و چنانچه در هر موردی به این تشخیص رسید که ضرورت دارد اجرای این احکام متوقف شود، آنها را برای مدتی اجرا نکند. ممکن است در صورت اجرای همه‌ی احکام خلع ید، مفسده ایجاد شود. در این موارد هم می‌توانیم به قاضی اجازه بدهیم که این پرونده‌ها را بررسی کند و اجرای احکام را در مواردی که ایجاد مفسده می‌کند، برای مدتی متوقف کند. ممکن است اگر فرایند توقف احکام این‌طور باشد، بگوییم اشکالی ندارد، اما اینکه نمایندگان مجلس تصویب کنند که هر چه دادگستری تا الآن حکم صادر کرده است، متوقف شود، اشکال دارد. [اگر چنین دخالتی در امر اجرای احکام را بپذیریم،] پس قضا چیست؟! اجرای احکام، قطعاً کاری قضایی است و در آن شکی نیست. الآن احکام قضایی را چه کسی اجرا می‌کند؟ اجرای همه‌ی احکام با قاضی است و مأمورین [نیروی انتظامی و ضابطان] هم تحت امر و ارشاد او احکام را اجرا می‌کنند.

مطلب بعدی این است که نمایندگان مجلس در این مصوبه می‌گویند همه‌ی احکام صادره از بالا تا پایین اجرا نشود؛ [چون اجرای] همه‌ی آن احکام، ایجاد مفسده می‌کند. اما تشخیص این مفسده، نیاز به رسیدگی موردی دارد. باید احکام قضایی موجب مفسده، مورد به مورد بررسی شود [تا به چنین تشخیصی رسید]. اما درباره‌ی بحثی که برخی آقایان در مورد ایجاد مفسده در صورت اجرای احکام خلع ید می‌کنند، [باید بگوییم] این موضوع باید به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام برسد. مگر [دولت یا مجلس] می‌تواند بگوید احکام اجرا نشود؟ یا مجلس می‌تواند بگوید چون من می‌گویم، احکام موجب مفسده می‌شود، [پس

اجرای حکم را متوقف یا تعلیق کند. موضوع این مصوبه، مصلحت و نظم عمومی و امثال اینهاست که خارج از بحث قضاست و اصلاً ماهیت آن تخصصاً از امر قضا بیرون است و امری عمومی و حکومتی است. بنابراین، نمی‌توان به توقف اجرای حکم اشکال کرد. توقف اجرای حکم با استناد به مصلحت عمومی جزء اختیارات قاضی نیست. موارد جواز توقف اجرای احکام توسط قاضی هم در قانون آمده است. بنابراین، این لایحه قضایی نیست. موضوع این مصوبه حاکمیتی است و مجلس و دولت تصمیم گرفته‌اند که این کار را انجام بدهند، ولی چون بالاخره این کار، خارج از قاعده اولیه و حکم اولیه [= لزوم احترام به مالکیت خصوصی افراد] است، به نظر می‌رسد که شرایط اعمال این مصوبه باید سخت‌تر از این باشد؛ یعنی این مصوبه دست دولت را هم از جهت مدت و هم از جهت تضمینات خیلی باز گذاشته است. اگر اصل موضوع محرز باشد که توقف اجرای احکام، موافق مصلحت است، خوب، اجرای احکام را متوقف می‌کنند، اما اینکه مصوبه دو سال زمان برای مذاکره‌ی دو طرف تعیین کرده است تا امر خرید یا واگذاری اراضی یا املاک معوض انجام شود یا این نکته که [آیت‌الله مدرس] فرمودند که تکلیف منافع این املاک [در طول این مدت] چه خواهد شد، [اینها روشن نیست و] این مسائل را باید رعایت کنند. بنابراین به نظر من این مصوبه، قضایی نیست و لازم نیست توسط قوه قضائیه تهیه شود؛ اجرای اصل این مصوبه هم درست و امکان‌پذیر است، اما شرایط اجرای آن بایستی مقداری سخت‌تر بشود که در این قسمت، می‌توان اشکالاتی را به مصوبه وارد دانست.

آقای علیزاده - طبق اصل (۱۵۶) قانون اساسی،^۱ رسیدگی، صدور و اجرای احکام قضایی، همگی از وظایف قوه قضائیه است؛ یعنی صدور و اجرای احکام هر دو به‌عهده‌ی این قوه است و بنابراین، اجرای احکام نیز امری قضایی است. از ابتدای

۱. اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است: ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیبات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند؛ ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع؛ ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین؛ ۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام؛ ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.»

می‌گویند که در اینجا مصلحت ملزمه‌ای وجود دارد که قانون قبلی را عوض کرده‌اند. این مصلحت، موضوع را رفع کرده است.

آقای علیزاده - [مبنای جعل مجازات قاچاق،] حکم سلطانی است؛ چون آوردن کالای قاچاق [که به حکم اولیه] خلاف شرع نیست.

آقای هاشمی‌شاهرودی - حکم سلطانی که غیر دخالت در امر قضا نمی‌شود. این مصوبه در بحث قضا دخالت نکرده است که حکم سلطانی باشد یا نباشد. آنچه در این مصوبه آمده است، دخالت در امر قضا نیست.

آقای علیزاده - [در مثال قاچاق که بیان شد] قانون‌گذار خودش گفته است این عمل، جرم است و الا قاچاق نه در شرع جرم‌انگاری شده و نه قاچاق حق کسی را از بین می‌برد. مجلس خودش تصویب کرده است که قاچاق کالا جرم است و خودش هم بعد از گذشت مدتی می‌تواند بگوید جرم بودن قاچاق را برمی‌دارم. اما مجلس می‌تواند بگوید حق مردم را از بین می‌برد؟! سؤال من این است: آیا مقنن می‌تواند بگوید من حق مردم را برمی‌دارم؟!

آقای هاشمی‌شاهرودی - اگر مقنن بتواند چنین حرفی بزند، [اقدامش] دخالت در قضا نیست.

آقای علیزاده - مقنن نمی‌تواند بگوید من حق مردم را برمی‌دارم. **آقای هاشمی‌شاهرودی -** بله، نمی‌تواند. ایراد شما از یک جنبه‌ی دیگر است، پس به اصل این مصوبه اشکال کنید.

آقای جنتی - به نظر من بحث قضایی بودن یا نبودن این مصوبه را دیگر بیش از این ادامه ندهید؛ چون به اندازه‌ی کافی راجع به آن بحث شد. این مطلب اول. مطلب دوم اینکه معنای لایحه‌ی قضایی این است که هنگامی که دستگاه قضایی می‌خواهد کاری انجام دهد که در مورد آن قانونی وجود ندارد و نیاز به تصویب قانون دارد، متناسب با کار مد نظرش، لایحه‌ای به مجلس می‌دهد که مجلس آن را تصویب کند. اما در مورد این مصوبه این‌طور نیست؛ این مصوبه فقط می‌خواهد از اجرای احکام [قطعی صادر شده توسط دادگاه‌ها] جلوگیری کند. خب اجرای احکام در اختیار دستگاه قضایی است و او است که می‌تواند اجرای حکمی را متوقف بکند یا متوقف نکند. اما مجلس در اینجا می‌بیند که قوه‌ی قضائیه اجرای احکام را متوقف نمی‌کند و مصلحت کشور هم اقتضا می‌کند که فعلاً جلوی اجرای این احکام گرفته شود و بنابراین، برای این کار قانونی وضع می‌کند. به نظر بیشتر از این

این احکام اجرا نشود؟ یا باید همان حکم اولیه‌ی صادره اجرا بشود و مردم چون حکم تخلیه دارند، املاکشان باید تخلیه شود؛ [چون] بالاخره محکوم‌علیه غاصب است و حکم اولیه می‌گوید: اگر متصرف، غاصب است، باید حکم خلع ید اجرا بشود. حالا این مصوبه دارد یک حکم ثانوی [توقف اجرای حکم را] بر آن حکم اولی [خلع ید] بار می‌کند. خب تشخیص و تصویب این حکم ثانوی که وظیفه مجلس نیست. مجلس نمی‌تواند خودش بیاید چنین حکمی را بگوید.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اگر مجلس قانونی تصویب کرد که مثلاً هر کس کالای قاچاق به کشور وارد کند، اموالش مصادره می‌شود و در ضمن، مجازات‌های دیگری هم برایش در نظر گرفت و قضات و دادگاه‌ها هم طبق همین مصوبه احکامی صادر کردند. حالا اگر مجلس بعد از مدتی متوجه شد که این قانون به مصلحت نیست و مفسده دارد و بنابراین، قانون دیگری تصویب کرد و حکم قبلی را برداشت و در قانون جدید بیان کرد که این قانون، نسبت به جرایم گذشته هم نافذ است، [آیا اشکالی دارد؟] در این صورت، هر حکمی طبق آن قانون قبل صادر شده و بر اساس آن مجازات‌هایی مانند قلع و قمع و گرفتن اموال قاچاقچیان داده شده، باید دوباره به آنها برگردانده شود. با این حال، آیا می‌شود گفت این کار مجلس دخالت در امر قضاست؟! این مصوبه‌ی مجلس هم مثل همین مثال است؛ عین همان است؛ چون قاضی طبق قانون حکم می‌کند و وقتی قانون عوض شود، قاضی هم طبق قانون جدید حکم می‌کند. این مسئله [تغییر قوانین] که ربطی به بحث قضاوت ندارد.

آقای علیزاده - اگر مجلس مصوب کند که حد زنا اجرا نشود، [آیا این کار او صحیح است و باز هم می‌گویید دخالت در قضا نیست؟!]

آقای هاشمی‌شاهرودی - در این موارد، این قانون است که دارد عوض می‌شود [و اشکالی ندارد]. اگر مجلس بتواند حد زنا را عوض کند، بله [اقدام مجلس بدون اشکال است و دخالتی هم در امر قضا محسوب نمی‌شود]. ولی [در این مثالی که شما زدید، مجلس] نمی‌تواند حد زنا را عوض کند؛ چون این کار، خلاف شرع است.

آقای علیزاده - قانون نمی‌تواند حق اشخاص را عوض کند؛ چون این کار، خلاف شرع است، مگر اینکه یک مصلحت ملزمه‌ای وجود داشته باشد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - خیلی خب، حالا دولت و مجلس هم

به اندازه‌ی سر سوزن - از ملکی که حتی برای ساعتی آن را تصرف کرده است، ندارد؟ خب، وقتی جریان این طور باشد؛ یعنی حکم قاضی بر اساس قانون صادر کرده، شرع هم اقتضا می‌کند که تشخیص قاضی باید اجرا شود، [در این صورت] اگر لحظه‌ای هم بخوانند در اجرای این احکام تأخیر بیندازند، یقیناً کاری خلاف شرع است. ما چطور می‌توانیم بگویم دولت حق دارد تا دو سال مال مردم را متصرف باشد؟! هیچ حقی ندارند [که چنین کاری انجام دهند]. قاعده‌اش این است که هیچ زمانی [برای تخلیه و رفع تصرف دولت از املاک مردم] تعیین نشود و به آنها گفته شود بر اساس موازین شرعی در اولین فرصت ممکن رفع تصرف شود. موازین شرعی اقتضا می‌کند که وقتی قاضی تشخیص داد این ملک، مال دیگری است، فوراً آن ملک تخلیه شود یا از مالک خریداری شود یا معوضی به او داده شود تا راضی گردد. اگر مالک به هیچ وجه راضی نشد، [تصرف ملک او] خلاف شرع است. حکم شرعی قضیه همین است. ممکن است [دولت و مجلس] بگویند وجود ضرورت باعث تصویب این لایحه شده است، اما همان طور که سایر آقایان فرمودند، ضرورت در هیچ موردی نمی‌تواند حکم شرعی مبنی بر اخذ رضایت صاحب ملک با پرداخت بهای زمین [یا تراضی به نحوی دیگر] را تغییر دهد. اگر قضیه همان طوری است که این مصوبه می‌گوید، چرا در شرع گفته شده که «حُرْمَةُ مَالِ الْمُسْلِمِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ»^۱ و چرا تصرف در مال مردم بدون اذن آنها جایز دانسته نشده است.^۲ بنابراین مقتضای قواعد شرعی این است که دولت و مجلس اصلاً حق اینکه بگویند اجرای احکام تا دو سال یا حتی یک ماه متوقف بشود را ندارند. اجرای این احکام نباید حتی ساعتی به تأخیر بیفتد و رضایت مالک باید در محدوده‌ی موازین فقهی و شرعی کسب شود. اگر دولت و مجلس بگویند اگر همه‌ی احکام خلع ید را اجرا کنند [برای ما مشکل پیش می‌آید]، آن وقت همین حرف آقای مدرسی یزدی پیش می‌آید که توقف همه‌ی این احکام درست نیست، چون توقف اجرای برخی از این موارد، ضرورتی ندارد، حال آنکه این مصوبه می‌گوید «کلیه‌ی احکام قطعی خلع ید» باید متوقف

سر قضیه‌ی قضایی بودن این مصوبه بحث نکنید.

آقای علیزاده - من [به قضایی بودن مصوبه] رأی می‌دهم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - درباره‌ی صحت مفاد مصوبه بحث کنید.

آقای مؤمن - همان طور که [آقای جنتی] می‌فرمایند یک وقت صحبت سر این است که این مصوبه قضایی است یا قضایی نیست، در این مورد، به نظر من این مصوبه در جنبه‌ی قضایی کار دخالت نمی‌کند و نمی‌گوید که قاضی حکم خلع ید صادر نکند یا چطور حکم صادر کند یا من به جای قاضی حکم صادر می‌کنم. مفاد این مصوبه هیچ‌کدام از اینها نیست. اگر مصوبه‌ی مجلس می‌گفت حکمی که قاضی صادر کرده یا کیفیتی که حکم اجرا شده باید طور دیگری باشد، در قضا دخالت کرده بود، ولی این مصوبه، این طور نیست. این مصوبه می‌خواهد بگوید احکام صادره، به قوت خود همچنان باقی هستند، ولی از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، اجرای این احکام، فعلاً متوقف بشود. احکام هم - همان طور که شما می‌فرمایید - طبق ضوابط صادر شده‌اند، ولی مجلس می‌خواهد جلوی اجرای حکمی را که طبق موازین قضایی کشور صادر شده است را بگیرد. در مورد اینکه جناب آقای هاشمی شاهرودی فرمودند آیا دولت می‌تواند جلوی اجرای احکام را بگیرد یا نه، باید بگویم احکام قضایی طبق ضوابط قانونی صادر شده‌اند و قاضی تشخیص داده است که دولت ملک این فرد را از اول بی‌دلیل تصرف کرده یا مدت زمان اجاره‌اش گذشته و دلیلی برای ادامه‌ی تصرف دولت وجود ندارد. بنابراین، آن شخص به حسب قوانین - که آن قانون هم مطابق با موازین شرعی است - حق دارد ملک خود را تصرف کند؛ چون ید دولت بر ملک این شخص برخلاف ضوابط قانونی است و قاضی حکم به خلع ید دولت یا قلع و قمع تأسیسات صادر کرده است. بنابراین دولت دیگر حق ندارد به تصرف خود ادامه دهد. قضیه این طور است که قاضی طبق ضوابط حکم کرده و دولت و مجلس هم در این مصوبه نمی‌خواهند ضوابط را به هم بزنند و نمی‌خواهند در حکم قضایی که صادر شده دخالت کنند. [با این مقدمات] بنده هم تأکید می‌کنم که مسئله‌ی مورد بحث مصوبه، قضایی نیست. اما وقتی قاضی تشخیص داده است که این ملک، مال مردم است و شرع و قوانین و عرف [بر این امر] تأکید می‌کنند که احکامی که قاضی صادر کرده است، لازم‌الاجرا است، مگر این لازم‌الاجرا بودن احکام، شرعی نیست؟ مگر خدا نفرموده است که اگر قاضی تشخیص داد که این ملک، مال مردم است، باید طبق نظر قاضی به مالک برگردانده شود و متصرف حقی - حتی

۱. مال مسلمان، همچون خون (جان) او محترم است. (نهج‌الفصاحه؛ مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات دنیای دانش، چ چهارم، ۱۳۸۲ش، ص ۴۴۰)

۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله، استفتائات، ج ۲، باب غضب، تصرف در اموال دیگران، پاسخ به سؤال شماره ۲؛ حسینی خامنه‌ای، علی، استفتائات، باب احکام برخی از گناهان، تصرف در اموال غیر، پاسخ به سؤال شماره ۱۲۷۵.

چندساله داشته، ولی بعد از گذشت مدت اجاره حاضر نیست ملک را تخلیه کند. بنابراین، مالک مجبور شده به دادگستری شکایت کند. تصرف فعلی دولت خلاف ضوابط است. بنابراین، نفرمایید [این ورزشگاه یا تأسیسات ورزشی] در اختیار دولت است. دولت دیگر نمی‌تواند در این ملک باقی بماند. ممکن است شکایتی که در دادگستری مطرح شده، از مواردی باشد که دولت از اول بی‌دلیل ملک کسی را تصرف کرده است یا اگر تصرفش مجاز بوده، قرار بر تصرف موقت بوده ولی پس از گذشت زمان موقت، دولت حاضر به تخلیه ملک نشده است. مالک هم می‌گوید من ملک را دو ساله اجاره داده‌ام و در قرارداد اجاره هم قید شده است که دولت بعد از گذشت دو سال باید ملک مرا خالی کند. این عبارت «کلیه احکام قطعی خلع ید» که در این مصوبه آمده است، شامل همه‌ی این موارد می‌شود؛ یعنی مواردی که به حسب حکم اولیه‌ی شرعی شکی نیست که تصرف متصرف غیرشرعی و غیرقانونی است و دولت باید ملک را خالی کند؛ ولی این مصوبه به صورت کلی همه را شامل کرده است، حال آنکه این مصوبه باید می‌گفت در مواردی که توقف حکم ضرورت دارد، جلوی اجرای حکم گرفته شود. ای کاش مصوبه قید «ضرورت» را می‌آورد. البته آن وقت هم در اشکال داشتن یا نداشتن مصوبه، بحث داشتیم. مصوبات مجلس باید مطابق احکام و عناوین «اولی» باشند، اما اگر مصوبه‌ای بخواهد بر اساس عناوین «ثانوی» باشد، باید به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام برسد.^۱ اینکه برخی آقایان مطلقاً می‌فرمایند توقف همه‌ی احکام خلع ید برای دولت ضرورت دارد، توجه داشته باشند که حتی مصوبه خودش هم قید «ضرورت» را نیاورده است. اینکه در این مصوبه، توقف اجرای کلیه احکام خلع ید را خواسته، یعنی توجیه موارد دیگری هم می‌شود؛ مثلاً شهری دو ورزشگاه خیلی خوب دیگر هم داشته است و مردم هم می‌توانستند با همان ورزشگاه‌ها به امر ورزش خود برسند، ولی دولت زمین مردم را تصرف کرده است که ورزشگاه دیگری

شود. خوب، به طور قطع در میان این کل، یک مواردی هست که اجرائیش به هیچ‌جا ضرر نمی‌زند، ولی این مصوبه می‌گوید اجرای آن موارد هم باید متوقف بشود. [بنابراین] توقف اجرای حکم در این موارد، قهراً خلاف شرع است، مگر اینکه ضرورت برای توقف اجرای این احکام هم پیش بیاید. [در این موارد هم] مگر وجود مجمع تشخیص مصلحت نظام برای این نیست که اگر عناوین ثانویه‌ای - مثل ضرورت حکم به توقف اجرای احکام در این مصوبه - پیش آمد، این نهاد چنین مواردی را تصویب کند و مثلاً بیان کند که جلوی اجرای احکام خلع ید گرفته شود. مجلس در این مصوبه گفته است اجرای کلیه احکام [خلع ید و قلع و قمع] باید به تأخیر بیفتد که معنایش انجام نشدن و بی‌اعتنایی کردن به حکم شرعی [در این خصوص] است. ای کاش مجلس در این مصوبه حداقل می‌گفت دولت خودش جمعی را تعیین کند تا این احکام صادره را بررسی کنند و اگر آنها تشخیص دادند که مواردی هست که در حد معقول امکان دارد با جلب رضایت مالک مشکل حل شود، دولت نسبت به جلب رضایت مالک اقدام کند. مفاد این مصوبه حرف عجیبی است؛ احترام مال مسلمان، مانند احترام جان و خون اوست. این روایت از جمله موازینی است که فقها طبق آنها فتوا داده‌اند. اگر این موازین ملاک باشد، دیگر در جواب مالک که می‌گوید نمی‌خواهم ملک را بفروشم، نمی‌گوییم باید حتماً تا دو سال آینده ملک را از طریق فروش اراضی، واگذاری زمین یا ملک معوض، به دولت واگذار کنی. ممکن است مالک به دولت بگوید نمی‌خواهم ملک را بفروشم یا می‌خواهم بفروشم، ولی ملک معوضی که تو می‌گویی را قبول ندارم یا زمین من بیشتر از آنچه تو می‌گویی ارزش دارد که واقعاً هم شاید بیشتر از اینها ارزش داشته باشد.

آقای یزدی - اگر دولت به این املاک نیاز داشته باشد، بالاخره [باید مالک را به واگذاری ملک خود راضی کند].

آقای مؤمن - اگر دولت به این املاک نیاز داشته باشد، باید در این مصوبه به این نیاز ضروری دولت تصریح شود، ولی مصوبه این مطلب را نگفته است.

آقای یزدی - الآن ورزشگاه یا تأسیسات ورزشی دیگری در ملک افراد ساخته‌اند که در اختیار دولت است.

آقای مؤمن - بله، ولی در اختیار غاصبانه‌ی دولت است. توجه نفرمایید. این نظر قاضی است که تشخیص داده است دولت حتی حق یک ساعت تصرف در این ملک را ندارد؛ [چون] دولت یا از ابتدا ملک مالک را غصب کرده یا قرارداد اجاره‌ی

۱. اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است، به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضا تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.»

مصوبه روند قانونی‌اش را طی کرده باشد. ما که نمی‌دانیم.

آقای جنتی - نه، [این طور نیست].

آقای مدرس‌یزدی - به هر حال [ما این موضوع را] نمی‌دانیم.

آقای علیزاده - سابقه‌ی مصوبه را به من بدهید.

آقای مدرس‌یزدی - سابقه‌ی مصوبه را که به ما [ربطی ندارد].

آقای لاریجانی [رئیس مجلس شورای اسلامی] باید احراز کند که این لایحه را دولت باید بدهد یا نهادی دیگر، نه شورای نگهبان. الآن مجلس مصوبه‌ای را برای تأیید به ما داده است، ولی بیان نکرده که این لایحه، از کجا به مجلس فرستاده شده است. بنابراین اصلاً جای بحث ندارد.

آقای جنتی - این مسلم است که لایحه از طرف دولت است. فعلاً بحث در مورد قضایی بودن یا نبودن لایحه است. اگر در این باره مطلبی دارید، بفرمایید؛ چون می‌خواهیم در مورد آن رأی‌گیری کنیم. آقای علیزاده، در مورد قضایی بودن مصوبه رأی بگیرید.

آقای علیزاده - اولین اشکال ما این است که این مصوبه قضایی است. آقای مدرس‌یزدی می‌فرمایند این لایحه را دولت به مجلس داده باشد. [بنابراین] این ابهام در مصوبه وجود دارد ...

آقای جنتی - نه، ابهامی وجود ندارد و قطعی است [که لایحه را دولت داده است].

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که معتقدند مصوبه قضایی است، رأی بدهند.

آقای جنتی - خیلی خوب، قضایی بودن مصوبه رأی ندارد. حالا مصوبه را از جنبه‌ی شرعی بودن آن بررسی کنیم.

آقای علیزاده - اشکال بعدی که ما به این مصوبه داریم و باید درباره‌ی آن رأی بگیریم این است که مجلس نمی‌تواند جلوی اجرای احکام قضایی را بگیرد.

آقای جنتی - اینکه همان [قضایی بودن مصوبه] است!

آقای علیزاده - نه، بحث قضایی بودن لایحه نیست. تصویب این مصوبه توسط مجلس، مداخله [در امر قضا] است. من الآن از جهت قضایی بودن لایحه، ایراد نمی‌گیرم، بلکه می‌گویم مجلس نمی‌تواند بگوید حکم قضایی اجرا نشود.

آقای مدرس‌یزدی - [این مصوبه،] خلاف شرع است.

آقای جنتی - در خلاف شرع بودنش حرفی نیست.

بسازد. خوب، دولت از همان ابتدا نباید مرتکب این اشتباه می‌شد. حالا هم که این کار را کرده و ملکی را موقتاً اجاره کرده است، با اتمام زمان اجاره باید آنجا را تخلیه کند. بالاخره این مصوبه همه‌ی این‌طور موارد را هم شامل می‌شود. حکم اولی آنچه که موضوع این مصوبه است این است که شارع در مورد تصرف و احداث تأسیسات در اراضی متعلق به غیر، همان چیزی را می‌گوید که قاضی تشخیص داده است؛ یعنی دولت حق ندارد حتی یک دقیقه در این اراضی بماند. خوب، حکم خدا هم همین است و دولت حق ندارد خلاف این کار را بکند. اینکه جناب آقای هاشمی شاهرودی می‌فرمایند [مجلس] حکم را تغییر می‌دهد، بله، درست است، اما مجلس نمی‌تواند حکمی را که الهی و شرعی است، تغییر دهد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - الآن بحث درباره‌ی ضرورت توقف این احکام است.

آقای مؤمن - در این مصوبه، ذکری از «ضرورت» نشده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - خوب، مصوبه از این نظر اشکال دارد.

آقای مؤمن - خیلی خوب، ما می‌گوییم مصوبه به عنوان اولی حکم می‌کند نه روی عنوان ثانوی [ضرورت]؛ لذا خلاف شرع است. مصوبه هم وقتی خلاف شرع باشد، باید به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده شود. مجمع هم یا آن را تغییر می‌دهد یا رد می‌کند. من نمی‌دانم این مصوبه را چطور باید درست کرد، ولی بالاخره این مصوبه، خلاف شرع است.

آقای جنتی - اینجا دو مسئله‌ی قضایی بودن مصوبه و مسائل شرعی مرتبط با آن با هم خلط شد. اجازه بدهید در مورد قضایی بودن مصوبه رأی بگیریم. آقای علیزاده، همه‌ی حرف‌ها در مورد قضایی بودن یا نبودن مصوبه گفته شد. پس شما در این مورد رأی‌گیری کنید تا بعد از آن برویم سراغ مسائل شرعی مصوبه که الآن مطرح شد.

آقای علیزاده - دو اشکال قانونی اساسی به مصوبه وارد است.

آقای مدرس‌یزدی - بنده می‌خواهم در مورد همین موضوعی که می‌خواهید رأی بگیرید، مطلبی عرض کنم. [در نامه‌ی مجلس] نوشته نشده است که لایحه از طرف چه نهادی آمده است.^۱ شاید

۱. در نامه‌ی شماره ۶۲/۴۶۶۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۳ مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان آمده است: «در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، لایحه توقف اجرای احکام خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان که با عنوان لایحه ممنوعیت خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و



سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع سازمان تربیت بدنی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود و در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۲/۲/۱ مجلس با اصلاحاتی به تصویب رسیده است، به پیوست ارسال می‌گردد.»



آقای اسماعیلی - گرفتن حکم خلع ید و قلع و قمع علیه دولت، خیلی مشکل است. پس توجه داشته باشید این چه نوع تصرف در املاک غیر است که برخی توانسته‌اند حتی علیه دولت حکم خلع ید و قلع و قمع بگیرند! حالا هم که مالک توانسته حکم را بگیرد و دولت باید ملک را تخلیه کند، مجلس با تصویب لایحه‌ای با عنوان «لایحه‌ی توقف اجرای احکام خلع ید و قلع و قمع...» مانع اجرای حکم می‌شود. این مصوبه در حقیقت ابطال این نوع احکام است؛ چون ماده واحده‌ی آن می‌گوید وزارت ورزش و جوانان و مالکین طی دو سال باید با هم به توافق برسند و اگر توافق نکردند، طبق قانون مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب، پول ملک را به اجبار طی شش ماه به مالک پرداخت کنند و ملک را به نام دولت سند بزنند. به هر حال مجلس و دولت در این مصوبه دارند احکام قضایی را ابطال می‌کنند، نه اینکه اجرای آنها را متوقف کنند.

آقای علیزاده - ایراد ما هم به این مصوبه همین است و می‌گوییم خلاف اصل ۱۵۶ قانون اساسی است.

آقای امیری - [مفاد این مصوبه] از موارد ضرورت توقف اجرای احکام نیست. زمانی که من در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مشغول به خدمت بودم،^۱ حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی به بنده فرمودند: به دولت کمک کنید مشکل قانونی املاکی که دولت بنا بر مصالحی از مالکان آنها گرفته‌اند، حل شود. برای انجام این کار کمیسیونی هم در دولت تشکیل شد که آقای دکتر داوودی [معاون اول رئیس جمهور] هم در آن حضور داشتند. بنده هم به دستور حاج‌آقای هاشمی شاهرودی در این جلسات شرکت می‌کردم. ما در آن زمان مشکل تصرف املاکی که دولت بر اساس ضرورت از مالکان آنها در عسلویه، خوزستان، اردبیل و جاهای دیگر گرفته بود را تا جایی که امکان داشت، حل کردیم. این مواردی که الآن در این مصوبه آمده، زمین‌ها و املاکی است که دولت در سفرهای استانی گرفته، ولی مشکلات قانونیشان حل نشد و الآن دوباره به این شکل می‌خواهند مشکل آنها را حل کنند. [با این مقدمه] این مطلب را می‌خواهم عرض کنم که اینکه حاج‌آقای مؤمن فرمودند توقف اجرای احکام باید ضرورت داشته باشد، درست است. ما هم در آن زمان، مشکل

مواردی که چنین ضرورتی وجود داشت را حل کردیم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - [بله، فرمایش ایشان] درست است.

آقای علیزاده - همین الآن هم ما قانون داریم که دولت می‌تواند در هر موردی که املاکی را بدون رضایت مالکان تصرف کرده و علیه او حکم قلع و قمع صادر شده است، بهای ملک را به مالک بدهد تا حکم قلع و قمع اجرا نشود؛ یعنی دولت می‌گوید من در این زمین، تأسیسات و ساختمان ساخته‌ام؛ لذا بهای زمین را مطابق قیمت کارشناسی روز می‌پردازد و حکم قلع و قمع اجرا نمی‌شود. ولی مصوبه‌ی فعلی در واقع می‌خواهد جلوی اجرای احکام را بگیرد و به هیچ‌کدام از قوانین موجود عمل نکند. من این مصوبه را خلاف اصل ۱۵۶ قانون اساسی می‌دانم. به نظر ما، این مصوبه خلاف اصل ۱۵۶ است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اگر ضرورتی وجود داشته باشد، می‌توان [احکام قضایی] را ابطال کرد.

آقای علیزاده - خب، ما می‌گوییم این ضرورت را ما نمی‌توانیم تشخیص بدهیم. ما می‌گوییم این مصوبه خلاف قانون اساسی است. حضرات آقایانی که این مصوبه را خلاف اصل ۱۵۶ قانون اساسی می‌دانند، رأی بدهند.

آقای جنتی - خب، این ایراد هم رأی نیاورد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - حالا جنبه‌ی شرعی آن را بحث کنید. حرف حاج‌آقای مؤمن درست است که قید «ضرورت» باید در متن مصوبه بیاید.

آقای مدرس‌یزدی - فکر نمی‌کنم کسی با این نظر که حکم این مصوبه بدون وجود ضرورت، خلاف شرع است، مخالف باشد. فقط نظر بعضی از عزیزان این است که احتمالاً ممکن است توقف اجرای این احکام، در مجموع ضرورت داشته باشد. البته این هم، احتمالی است و معلوم نیست اصل توقف اجرای احکام ضرورت داشته باشد. اگر فرض کنیم دولت [به‌درستی] تشخیص داده که در مجموع توقف اجرای احکام ضرورت دارد، در این حالت هم باید بگوییم تشخیص دولت برای ما هیچ حجتی ندارد. [اصل ۷۲] قانون اساسی گفته است که مصوبات مجلس نباید مغایر احکام اسلامی و قانون اساسی باشد. [بر اساس اصل ۱۱۲ قانون اساسی] اگر مصوبه‌ای هم خلاف موازین اسلام و قانون اساسی باشد و مجلس [با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و] بر مصوبه‌ی خود اصرار کند، باید به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده شود. دولت دارای جایگاهی نیست که بخواهد چنین ضرورت‌هایی را تشخیص دهد.

۱. حسینعلی امیری در آبان‌ماه سال ۱۳۸۳ از سوی آیت‌الله هاشمی شاهرودی رئیس قوه قضائیه به سمت معاون قوه قضائیه و رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور منصوب شد و تا تیرماه ۱۳۸۸ به فعالیت خود در این سمت ادامه داد.

اطلاقی که در این مصوبه وجود دارد، درست نیست و اصل بحث آن هم دارای شبهه است. علاوه بر این توجه بفرمایید، ما یک روز خدمت مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بودیم. شاید آقایان دیگر هم یادشان باشد. صحبت این شد که به هر حال برخی مصوبات در نهایت به مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌رود و مجمع آنها را تصویب می‌کند. چرا شورای نگهبان کار را اطلاع کند؟ حضرت آقا فرمودند: شما اشکالات مد نظرتان را بگیرید تا معلوم شود مصوبه، خلاف شرع [از جهت احکام اولیه] است. این عین عبارت ایشان است. فرمودند تا معلوم بشود که مصوبه، [از جهت احکام اولیه] خلاف شرع است و معلوم بشود که روی عنوان ثانوی است و در سوابق مصوبه هم این موضوع، معلوم شود. بعد مجمع تشخیص مصلحت هم به اندازه‌ای که وظیفه دارد به آنها رسیدگی می‌کند. چرا ما کاری که طبق ضابطه باشد را انجام ندهیم [و ایراد خودمان را نگوییم]؟ وانگهی، ما به آن طرف قضیه هم نگاه کنیم، ببینیم گاهی ملک‌های تصرفی دولت از اموال آدم‌های بیچاره و طبقه‌ی پایین جامعه است که هیچ دلیلی بر ضرورت توقف اجرای احکام خلع ید وجود ندارد. دولت که مثلاً در هر ده و روستایی یک ورزشگاه درست کرده یا در هر جا که توانسته به یک عنوانی تأسیساتی ایجاد کرده است، این ورزشگاه‌ها و تأسیسات را در املاک کسانی ساخته است که خودشان یا برای کشاورزی، یا برای مسکن، یا برای اشتغال فرزندان‌شان و ... به آن املاک نیاز دارند. بعضی از تأسیساتی هم که دولت در این املاک ساخته است، اصلاً مورد استفاده نیستند. من به چشم خودم برخی ورزشگاه‌هایی که دولت در بعضی از روستاها درست کرده و برای ساخت آنها هزینه‌های زیادی هم شده است را دیده‌ام که معلوم نیست حتی سالی یک بار هم از آنها استفاده بشود. ما می‌گوییم با تصویب یک لایحه نباید اجرای همه‌ی احکام متوقف بشود. وظیفه‌ی شورای نگهبان جلوگیری از اجرای چنین مصوبات خلاف شرع و قانون اساسی است. بله، اگر مجمع تشخیص مصلحت نظام بعد از انجام بررسی‌های لازم تشخیص داد که لازم است اجرای برخی احکام خلع ید متوقف شود، [آن وقت مفاد این مصوبه قابل اجراست].

آقای هاشمی‌ساهرودی - برای اطلاق مصوبه، از جهت خلاف شرع بودن یا نبودن آن، رأی بگیریم. اطلاق مصوبه شامل موارد غیرضروری هم می‌شود که خلاف شرع است.

آقای جنتی - آقای علیزاده، رأی بگیرید. توقف اجرای احکام در

آقای علیزاده - مجلس هم در چنین جایگاهی نیست.

آقای هاشمی‌ساهرودی - [علاوه بر دولت]، مجلس هم [ضرورت توقف اجرای احکام تشخیص داده شده توسط دولت را] تأیید کرده است.

آقای مدرس‌یزدی - باشد؛ اگر دولت و مجلس هر دو هم بگویند علی‌رغم مغایرت این مصوبه با شرع و قانون اساسی، توقف اجرای این احکام ضرورت دارد، ما می‌گوییم این تشخیص، غلط است. خب، معنای تصویب این لایحه همین است که آنها دارند کار خلاف شرع و قانون اساسی انجام می‌دهند. بحث مهم‌تر این است که ما می‌گوییم دولت و مجلس نمی‌توانند اجرای کل این احکام را متوقف کنند. بنابراین احکام خلع ید باید به اندازه‌ای که ضرورت دارد، متوقف بشود، نه اینکه از همه‌ی این احکام رفع ید بکنیم. نتیجه اینکه اگر اجازه بدهیم توقف اجرای احکام خلع و قمع فقط در مواردی که ضرورت دارد، انجام شود، مشکل حل می‌شود. ما همیشه گفته‌ایم: «الضَّرُورَاتُ تَتَقَدَّرُ بِقَدَرِهَا»^۱. هنگام ضرورت، توقف اجرای این احکام فقط باید به اندازه‌ی رفع ضرورت باشد. نمی‌شود بر از بین رفتن اموال مردم چشم بست. نمی‌توانیم بگوییم اگر همه‌ی احکام خلع ید را اجرا کنیم و حق را به حقدار برسانیم، اختلال پیدا می‌شود؛ پس بنابراین در هیچ‌جا نباید حق را به حقدار رساند. این حرف را چه کسی و در کجا گفته است؟ در همه‌جا آمده است: «الضَّرُورَاتُ تَتَقَدَّرُ بِقَدَرِهَا». البته من نمی‌خواهم [مورد بحث ضرورت را] دقیقاً در این مصوبه نظریابی کنم، ولی مورد آن در جایی است که - در روایات هم به آن اشاره شده است - اگر کسی در بیابان باشد و گرسنگی به او فشار بیاورد ولی جز گوشت میته چیز دیگری برای خوردن نداشته باشد، گفته می‌شود به اندازه‌ی سَلِّ رَمَق می‌تواند از گوشت میته بخورد. حالا ما در مورد این مصوبه نمی‌گوییم مثل اکل میته (خوردن گوشت مردار) است، ولی به هر حال توقف اجرای احکام باید به اندازه‌ای باشد که مصلحت ملزمه اقتضا می‌کند، نه بیشتر. بنابراین، هیچ شبهه‌ای نیست که

۱. قاعده‌ی «الضرورات تنقدر بقدرها» یک قاعده‌ی عقلی است و مفاد آن این است که تنها تا رفع حالت ضرورت و به تناسب خطر و تهدید موجود، انجام فعل اضطراری جایز است. گاه با یک اقدام مباح می‌توان از خود رفع خطر کرد و گاه دفع خطر مستلزم ارتکاب فعلی است که در شرایط عادی نامشروع است. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چ دوازدهم، ۱۴۰۶ ه.ق، ج ۴، ص ۱۴۸.

موارد غیرضروری خلاف شرع است. این هم باید در متن مصوبه قید شود که حکم آن فقط شامل موارد ضروری، آن هم به صورت موردی باشد و در موارد غیرضروری اجرای احکام متوقف نشود.

آقای علیزاده - اطلاق هم در ماده واحده و هم در تبصره‌ی (۱) وجود دارد. تبصره‌ی (۱) هم همین را می‌گوید: «در صورت عدم حصول توافق، بهای زمین ... تعیین، پرداخت و سند آن به نام دولت ... تنظیم می‌شود».

آقای هاشمی‌شاهروندی - بله، همه‌ی اینها با هم است. اطلاق همه‌ی اینها خلاف شرع است.

آقای جنتی - در موارد غیرضرور.

آقای مدرسی‌یزدی - [به‌جای واژه‌ی ضرورت،] لفظ «غیرلازم» را به‌کار ببرید.

آقای علیزاده - یعنی بگویم توقف اجرای احکام در موارد غیرلازم خلاف شرع است.

آقای جنتی - چرا؟

آقای مدرسی‌یزدی - چون «غیرضروری» به چندین شکل می‌تواند معنا شود.

آقای هاشمی‌شاهروندی - نه، [باید بنویسید] «غیرضروری». واژه‌ی «ضروری» اضیق [= محدودتر] از «لازم» است.

آقای جنتی - [بنویسید در موارد] غیرضروری. در توقف اجرای این احکام باید ضرورتی وجود داشته باشد. همین موضوع را رأی بگیرید.

آقای علیزاده - آقایانی که خلاف شرع بودن مصوبه را قبول دارند، رأی بدهند. خیلی خوب، خلاف شرع بودن مصوبه، چهار رأی دارد. بفرمایید بحث را ادامه بدهید.

آقای جنتی - خیلی خوب.

آقای مدرسی‌یزدی - این مطلب را هم جزء ایرادات بنویسید که باید در مصوبه قید شود: در فرض وجود ضرورت برای توقف اجرای این قبیل احکام، دولت باید اجرت‌المثل ایامی که ملک را در تصرف دارد، به مالکش پرداخت کند. این ایراد را هم باید بنویسیم؛ چون ممکن است ایراد مربوط به ضرورت را در مجلس برطرف کنند و مصوبه از این نظر اصلاح شود، ولی این ایرادش باقی بماند.

آقای جنتی - خیلی خوب.

آقای علیزاده - پس به‌عنوان ایراد به نمایندگان مجلس بگویم در مصوبه بیاورند دولت در موارد ضرورت توقف اجرای احکام،

باید اجرت‌المثل ایام تصرف را به مالک آن پرداخت کند.

آقای مدرسی‌یزدی - بله، باید «اجرت‌المثل»^۱ آن پرداخت شود.

آقای علیزاده - دولت در موارد ضرورت توقف اجرای احکام باید اجرت‌المثل ملک تصرفی را به مالک آن پرداخت کند. بله، حداقل باید اجرت‌المثل آن را بپردازد. دولت چه از ملک استفاده کند یا استفاده نکند، در هر دو صورت غاصب است و باید اجرت‌المثل ملک را پرداخت کند؛ یعنی اگر حتی ادعا کند اصلاً از ملک استفاده‌ای نبرده‌ام، باز هم باید اجرت‌المثل را به مالک بدهد.

آقای مدرسی‌یزدی - حالا معلوم نیست هر غاصبی، ملزم هم باشد.

آقای علیزاده - دولت که غاصب نیست، [بلکه] آن مأموری که از طرف دولت زمین را تصرف می‌کند، غاصب است.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، حالا ممکن است دولت در تصرف زمین و املاک اشتباهی کرده باشد.

آقای علیزاده - بله، ممکن است این‌طور باشد.^۲

آقای مؤمن - تکلیف املاک اوقافی که دولت تصرف کرده و در گزارش کارشناسی مرکز تحقیقات شورای نگهبان هم به آن اشاره شده است،^۳ چه می‌شود؟

آقای هاشمی‌شاهروندی - تکلیف املاک اوقافی هم مثل سایر املاک است.

۱. عوضی که مستأجر در قبال استفاده از منفعت مال یا کار، به موجر یا اجیر می‌پردازد، اجرت نامیده می‌شود. در عقد اجاره، یا به اجرت تصریح می‌شود یا نمی‌شود، ولی اجرت مورد نظر و توافق دو طرف است و یا هیچ‌کدام. به اجرت در صورت اول و دوم، اجرة‌المسمی و در صورت سوم - که باید اجرت متعارف برای استفاده از همانند آن مال یا عمل، از سوی مستأجر به موجر یا اجیر پرداخت گردد - اجرة‌المثل گفته می‌شود. جمعی از پژوهشگران، زیر نظر سیدمحمود هاشمی‌شاهروندی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، قم، مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، ج اول، ۱۴۲۶ هـ.ق، ج ۱، ص ۲۴۷.

۲. بند (۱) نظر شماره ۹۲۳۰/۵۰۱۴۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ شورای نگهبان در خصوص لایحه توقف اجرای احکام خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت و جوانان مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: «۱- اطلاق ماده واحده و تبصره یک آن در موارد غیرضروری، خلاف موازین شرع شناخته شد و در موارد ضرورت نیز حداقل باید اجرت‌المثل آن پرداخت گردد».

۳. «مصوبه از این جهت که شامل اراضی و املاک موقوفه نیز می‌شود یا خیر، واجد ابهام است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۲۰۰۴، مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۰، ص ۲، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/SUDX>

آقای علیزاده - خب، اگر این‌طور باشد، پس این اشکالی که گرفتیم، املاک وقفی را هم در بر می‌گیرد.

آقای مؤمن - ملاحظه کنید در ذیل تبصره (۱) چه مطلبی آمده است؟

آقای علیزاده - [هر چه آمده باشد این را] نمی‌گوید که دولت املاک وقفی را هم خریداری کند.

آقای مؤمن - ماده (۴) لایحه‌ی قانونی مصوب سال ۱۳۵۸ را بخوانید ببینید چه گفته است. ظاهراً ماده (۴) آن نسبت به زمین‌های ملکی است، ولی تبصره (۴) ماده (۵) آن، بحث زمین‌های وقفی را آورده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - تبصره (۴) ماده (۵) به بحث املاک وقفی پرداخته است.

آقای علیزاده - بله، تبصره (۴) ماده (۵) در مورد تبدیل املاک وقفی به احسن است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - [در مورد املاک وقفی] باید بگوییم طبق احکام شرعی وقف عمل شود.

آقای علیزاده - اگر موافقید ایراد را این‌طور به مصوبه بگیریم که

→

عمل خواهد شد. در مورد املاک اخیر در صورت وجود اعیانی متعلق به اشخاص و یا حقوق مندرج در تبصره‌های (۲) و (۳) ماده (۵) این قانون، حقوق فوق از سوی هیئت کارشناسی مندرج در این قانون، تعیین و از محل اعتبار طرح، پرداخت و مال‌الاجاره ملک موقوفه یا در نظر گرفتن پرداخت مزبور از سوی هیئت کارشناسی تعیین خواهد شد.

۲. ماده (۴) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷: «ماده ۴- هرگاه نسبت به تعیین بهای عادلانه اراضی و ابنیه و تأسیسات و حقوق و خسارات وارده بین «دستگاه اجرایی» و مالک توافق حاصل نشود، بهای عادلانه توسط هیئتی مرکب از سه نفر کارشناس رسمی دادگستری تعیین می‌گردد. کارشناسان، یک نفر از طرف «دستگاه اجرایی»، یک نفر از طرف مالک یا صاحب حق و نفر سوم به انتخاب طرفین و در صورت عدم توافق یا استتکاف به معرفی دادگاه صالحه محل وقوع ملک انتخاب می‌شوند. رأی اکثریت هیئت مزبور قطعی و لازم‌الاجراست.

تبصره ۱- در صورتی که در محل، کارشناس رسمی دادگستری وجود نداشته باشد، طبق ماده (۲۹) قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ عمل می‌شود.

تبصره ۲- هرگاه مالک یا مالکین، کارشناس خود را حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ اعلام «دستگاه اجرایی» که به یکی از صور ابلاغ کتبی، انتشار در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار یا آگهی در محل به اطلاع عموم می‌رسد، تعیین ننماید و یا به علت مجهول بودن مالک، عدم تکمیل تشریفات ثبتی، عدم صدور سند مالکیت، اختلاف در مالکیت، فوت مالک و موانعی از این قبیل، امکان انتخاب کارشناس میسر نباشد، دادگاه صالحه محل وقوع ملک حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ مراجعه «دستگاه اجرایی» به دادگاه، نسبت به تعیین کارشناس اقدام می‌نماید.»

آقای علیزاده - اگر می‌خواهید ایرادی که الآن گرفته شد، در مورد املاک اوقافی هم بگوییم؟

آقای مؤمن - [ایراد قبلی]، مربوط به املاکی است که مالک دارد، [نه اموال موقوفه].

آقای علیزاده - بله. یک بار دیگر مصوبه را بخوانیم ببینیم چه می‌گوید. این مصوبه اصلاً صحبت وقف [و اموال موقوفه] را نمی‌کند، [بلکه] می‌گوید «مالکان».

آقای مؤمن - نه، در مورد وقف هم گفته است.

آقای علیزاده - چه می‌گوید؟

آقای مدرسی‌یزدی - حالا در وقف هم ممکن است وقف ملکی باشد ...

آقای یزدی - تکلیف اموال وقفی که معلوم است. طبق قاعده، همانند اینجا که گفته شده دولت با «مالکان املاک» باید توافق کند، در اموال وقفی هم دولت باید با «متولی موقوفه» به تراضی و توافق برسد.

آقای مؤمن - [تبصره (۱) مصوبه] می‌گوید: «در صورت عدم حصول توافق، بهای زمین ... تعیین، پرداخت و سند آن به نام دولت ... تنظیم می‌شود».

آقای یزدی - این مصوبه، اصلاً موضوع املاک وقفی را نگفته است.

آقای مؤمن - خب شما به این قسمت تبصره‌ی (۱) مصوبه که می‌گوید: «بهای زمین بر اساس مقررات مواد (۴) و (۵) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب ...»، اشکال گرفتید؟ شما به اصل مصوبه هم ایراد گرفتید؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - ببینید، ما در مورد اموال وقفی نمی‌توانیم بگوییم [مفاد این مصوبه در مورد املاک وقفی هم اشکال دارد].

آقای مؤمن - تبصره (۱) مصوبه می‌گوید «... بر اساس مقررات مواد (۴) و (۵) لایحه قانونی ...»؛ این در حالی است که تبصره (۴) ماده (۵) لایحه‌ی قانونی مصوب سال ۱۳۵۸ راجع به املاک وقفی است.^۱ ماده (۴) آن هم در مورد زمین‌های ملکی است.^۲

۱. تبصره (۴) ماده (۵) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷: «تبصره ۴- نسبت به املاک موقوفه‌ای که طبق تشخیص سازمان اوقاف تبدیل به احسن آنها قانوناً مجاز است به طریق مذکور در این قانون اقدام و آنها را که شرعاً مجاز نیست به طریق اجاره طولی‌المدت

آقای علیزاده - این تبصره در لایحه‌ی دولت هم بوده است. یک جمله معترضه خدمتتان عرض کنم؛ خود مجلس این طرح را «قضایی» فرض کرده و برای بررسی به کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس، به عنوان کمیسیون اصلی داده است! کمیسیون فرعی اش یک جای دیگر است. [با این وجود،] این مصوبه، [از جهت مغایرت با قانون اساسی و موازین شرع] اشکالی ندارد. چه اشکالی دارد؟^۳

معلوم نیست آیا این مصوبه شامل زمین‌ها و املاک اوقافی هم می‌شود یا خیر؟ اگر شامل املاک وقفی هم می‌شود، باید طبق [موازین شرعی در وقف] عمل کرد.

آقای هاشمی‌شاهروندی - بله، بگوییم مصوبه از جهت [شمول آن نسبت به املاک وقفی] ابهام دارد.

آقای علیزاده - پس می‌نویسم: نظر به اینکه مشخص نیست این مصوبه شامل املاک وقفی هم می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. همین جا هم بگوییم در صورتی که این مصوبه شامل املاک وقفی هم بشود، باید طبق موازین شرعی عمل بشود.

آقای مؤمن - بله.

آقای جنتی - نوشتن این مطالب دیگر لازم نیست. وقتی نمایندگان مجلس گفتند مصوبه شامل املاک وقفی هم می‌شود، شما هم این را بگویید [که در مورد آنها باید طبق موازین شرعی عمل شود].

آقای مؤمن - بله.

آقای سلیمی - همی [ایرادات و] ابهامات را یک دفعه بگیرید.

آقای علیزاده - می‌خواهیم [ایرادات و ابهامات را] به صورت کامل بنویسیم که دوباره آن را برای ما نفرستند.^۱

آقای مؤمن - تبصره (۲) مصوبه که می‌گوید: «دولت موظف است اعتبارات مورد نیاز را به‌گونه‌ای در لوایح بودجه سالانه‌ی کل کشور پیش‌بینی نماید که تا پایان مدت یادشده، اجرای این قانون تحقق یابد»، گویا از ابتدا در لایحه‌ی دولت نبوده و مجلس خودش آن را به لایحه‌ی دولت اضافه کرده است. این خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی^۲ است.

۳. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۱۴۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۶۲/۴۶۶۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۳، لایحه توقف اجرای احکام خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت ورزش و جوانان، مصوب جلسه مورخ اول اردیبهشت‌ماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- اطلاق ماده واحده و تبصره یک آن در موارد غیرضروری، خلاف موازین شرع شناخته شد و در موارد ضرورت نیز حداقل باید اجرت‌المثل آن پرداخت گردد.

۲- نظر به اینکه در تبصره یک ماده واحده آمده است که طبق مقررات مواد (۴) و (۵) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب عمل شود، از این جهت که مشخص نیست آیا شامل موقوفات نیز می‌گردد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۱۴۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ شورای نگهبان در خصوص لایحه توقف اجرای احکام خلع ید و قلع و قمع ورزشگاه‌ها و سایر تأسیسات و اماکن ورزشی تابع وزارت و جوانان مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: «۲- نظر به اینکه در تبصره یک ماده واحده آمده است که طبق مقررات مواد (۴) و (۵) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب عمل شود، از این جهت که مشخص نیست آیا شامل موقوفات نیز می‌گردد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

۲. اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی: «طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.»

طرح استفساریه جزء (۱) بند (ب) تبصره (۲)

ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی

آقای جنتی - آن استفساریه را هم بخوانید.

منشی جلسه - دستور بعدی جلسه، بررسی «طرح استفساریه جزء (۱) بند (ب) تبصره (۲) ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی»^۱ است.

«موضوع استفساریه:

آیا مراد قانون‌گذار از عبارت «افرادی که حداقل بیست سال متوالی و بیست و پنج سال متناوب در کارهای سخت و زیان‌آور (محل سلامت) اشتغال داشته باشند» در جزء (۱) بند (ب) اصلاحیه تبصره (۲) ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی،^۲ داشتن حداقل ۷۳۰۰ روز اشتغال در یک

۱. طرح استفساریه جزء (۱) بند (ب) تبصره (۲) ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۳ به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۰۹/۵۰۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۲/۴ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۱، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۰۱۳۲ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. جزء (۱) بند (ب) تبصره (۲) ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۳۰: «ماده ۷۶- مضمولین این قانون در صورت حائز بودن شرایط زیر حق استفاده از مستمری بازنشستگی را خواهند داشت:

۱- حداقل ده سال حق بیمه مقرر را قبل از تاریخ تقاضای بازنشستگی پرداخته باشند؛

۲- سن مرد به شصت سال تمام و سن زن به پنجاه و پنج سال تمام رسیده باشد. تبصره ۱- کسانی که ۳۰ سال تمام کار کرده و در هر مورد حق بیمه مدت مزبور را به سازمان پرداخته باشند، در صورتی که سن مردان ۵۰ سال و سن زنان ۴۵ سال تمام باشد، می‌توانند تقاضای مستمری بازنشستگی نمایند.

تبصره ۲-

الف- کارهای سخت و زیان‌آور کارهایی است که در آنها عوامل فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار، غیر استاندارد بوده و در اثر اشتغال کارگر تشنجی به مراتب بالاتر از ظرفیت‌های طبیعی (جسمی و روانی) در وی ایجاد گردد که نتیجه آن بیماری شغلی و عوارض ناشی از آن بوده و بتوان با به‌کارگیری تمهیدات فنی، مهندسی، بهداشتی و ایمنی و غیره، صفت سخت و زیان‌آور بودن را از آن مشاغل کاهش یا حذف نمود.

۱- کارفرمایان کلیه کارگاه‌های مشمول قانون تأمین اجتماعی که تمام یا برخی از مشاغل آنها حسب تشخیص مراجع ذی‌ربط سخت و زیان‌آور اعلام گردیده یا خواهند گردید، مکلفند ظرف دو سال از تاریخ تصویب این قانون نسبت به ایمن‌سازی عوامل شرایط محیط کار مطابق حد مجاز و استانداردهای مشخص‌شده در قانون کار و آیین‌نامه‌های مربوطه و سایر قوانین موضوعه در این زمینه اقدام نمایند.

یا چند شغل زیان‌آور در یک یا چند کارگاه است؟

نظر مجلس:

بلی، توالی اشتغال به قوت خود باقی است.»

آقای مؤمن - در قوانین موجود، افراد باید چه مقدار [اشتغال به کار سخت و زیان‌آور داشته باشند تا مشمول دریافت مستمری بازنشستگی شوند].

آقای سلیمی - به مدت بیست سال متوالی.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این مصوبه برای دولت بار مالی دارد.

آقای یزدی - در این پاسخ مشخص نشده که شامل اشتغال متناوب هم می‌شود یا خیر. ظاهراً از این جهت ابهام دارد.

آقای مؤمن - خب، اینکه در پاسخ مجلس آمده است: «بلی»، یعنی عمومیت دارد و شامل اشتغال متوالی و متناوب هر دو می‌شود. اما این «توالی اشتغال» به چه معنا است؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - اشکالش این است که بار مالی دارد و اشتغال غیرمتناوب را هم به نوع متناوب آن ملحق کرده است.

آقای یزدی - یکی از نکاتی که آقایان [کارشناسان مرکز تحقیقات شورای نگهبان] به آن اشاره کرده‌اند همین بحث متناوب و غیرمتناوب و متوالی بودن مدت اشتغال است. آقایان نوشته‌اند: «عبارت «حداقل ۷۳۰۰ روز اشتغال» با توجه به مفاد سؤال ابهام داشته و مشخص نیست که تنها ناظر به حالت توالی است و یا شامل حالت تناوب نیز می‌شود. چنانچه عبارت مزبور مشتمل بر حالت تناوب نیز باشد، این امر موجب توسعه دامنه شمول این حالت و در نتیجه توسعه دامنه قانون می‌گردد که این امر

→

۲- کارفرمایان کارگاه‌های مشمول قانون تأمین اجتماعی مکلفند قبل از ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور به بیمه‌شدگان، ضمن انجام معاینات پزشکی آنان از لحاظ قابلیت و استعداد جسمانی متناسب با نوع کارهای رجوع داده شده (موضوع ماده ۹۰ قانون تأمین اجتماعی)، نسبت به انجام معاینات دوره‌ای آنان که حداقل در هر سال نباید کمتر از یکبار باشد، نیز به منظور آگاهی از روند سلامتی و تشخیص بهنگام بیماری و پیشگیری از فرسایش جسمی و روحی اقدام نمایند. وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کار و امور اجتماعی مکلفند تمهیدات لازم را در انجام این بند توسط کارفرمایان اعمال نمایند.

ب- حمایت‌ها

۱- افرادی که حداقل بیست سال متوالی و بیست و پنج سال متناوب در کارهای سخت و زیان‌آور (محل سلامت) اشتغال داشته باشند و در هر مورد، حق بیمه مدت مزبور را به سازمان پرداخته باشند، می‌توانند تقاضای مستمری بازنشستگی نمایند. هر سال سابقه پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان‌آور یک و نیم سال محاسبه خواهد شد.

۲- ...»

←

مغایر با اصل (۷۳) قانون اساسی^۱ و نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان^۲ می‌باشد.^۳ بنابراین، این عبارت، از این جهت ابهام دارد.

آقای علیزاده - خود قانون چه گفته است؟ یک بار جزء (۱) قانون را بخوانیم ببینیم چه می‌گوید. گفته است: «افرادی که حداقل بیست سال متوالی و بیست و پنج سال متناوب در کارهای سخت و زیان‌آور (مخل سلامت) اشتغال داشته باشند و در هر مورد، حق بیمه مدت مزبور را به سازمان پرداخته باشند، می‌توانند تقاضای مستمری بازنشستگی نمایند. هر سال سابقه پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان‌آور یک و نیم سال محاسبه خواهد شد.»

آقای یزدی - حالا در این استفساریه، سال را به روز تبدیل کرده‌اند. در اشتغال متوالی روشن است که فرد در صورت پرداخت حق بیمه می‌تواند از مزایای بازنشستگی استفاده کند، ولی در اشتغال متناوب این مورد محل بحث است که آیا در اشتغال متناوب، اگر شخصی این تعداد روز [۷۳۰۰ روز] را پُر کرده باشد، می‌تواند از مزایای بازنشستگی استفاده کند یا خیر؟

آقای علیزاده - ببینید حاج‌آقا، در این استفساریه، اشتغال متناوب را از قرار سالی ۳۶۰ روز حساب کرده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه، ۳۶۵ روز.

آقای علیزاده - بله، هر سال را ۳۶۵ روز محاسبه کرده‌اند. این استفساریه هیچ اشکالی ندارد؛ چون در استفساریه پرسیده‌اند که سنوات را چند روزه حساب کنند؟

آقای یزدی - بحث سال [و تعداد روزهای آن] درست است. سؤال در متوالی و متناوب بودن ایام اشتغال است؛ شبهه در این است که اگر شخص متناوباً این تعداد روز را پُر کرده باشد، وضعیت بازنشستگی او چگونه می‌شود؟

آقای علیزاده - حضرت آیت‌الله یزدی، پاسخ این سؤال در متن خود قانون هست. در آنجا آمده است: «و بیست و پنج سال متناوب».

آقای یزدی - بله، این را می‌دانم. شما اظهار نظر کارشناسان

حقوقی مرکز تحقیقات را ببینید.

آقای هاشمی‌شاهرودی - ما اصلاً نفهمیدیم منظور این سؤال تفسیری چیست؟ چون در این سؤال آمده است: «در یک یا چند شغل زیان‌آور در یک یا چند کارگاه».

آقای یزدی - این سؤال تقریباً درست پرسیده شده است...

آقای هاشمی‌شاهرودی - سؤال در مورد قوانین [مربوط به تأمین اجتماعی] نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - سؤال، واضح است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - سؤال می‌گوید: اگر شخصی در چند کارگاه، مشغول به کار [سخت و زیان‌آور] باشد، مثلاً هر یک روز کار او را معادل دو روز حساب کنید؟

آقای یزدی - نه، سؤال استفساریه این نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، سؤال واضح است و می‌گوید فردی که [به دلایل مختلف از جمله اخراج از کارگاه]، در طول سالیانتمادی در چند کارگاه مختلف کار کرده است، آیا این اشتغال او در سوابق بیمه و بازنشستگی او اشتغال متوالی محاسبه می‌شود یا نه؟ مجلس در پاسخ گفته است: بلی، این، اشتغال متوالی محسوب می‌شود. سؤال همین است دیگر؛ چیز دیگری که نیست.

آقای علیزاده - خوب، مسلّم است که شامل این فرد هم می‌شود.

آقای امیری - حاج‌آقا، در متن سؤال، اگر «سال» به «روز» تبدیل نمی‌شد، این مصوبه اشکال داشت.

آقای مدرسی‌یزدی - این موضوع، ربطی ندارد.

آقای امیری - [به نظر من] چون در استفساریه، «سال» به «روز» تبدیل شده است، هیچ اشکالی ندارد.

آقای مدرسی‌یزدی - چه اشکالی دارد؟

آقای امیری - هیچ اشکالی ندارد.

آقای مدرسی‌یزدی - [حکم این تفسیر این است که] اشتغال فرد بیمه‌شده‌ای که کلاً از یک کارگاه به کارگاه دیگری رفته و کارگاهش را چندین بار تغییر داده است هم متوالی است و لازم نیست همه‌ی کارش حتماً در یک کارگاه باشد. سؤال و جواب همین است.

آقای یزدی - [کارشناسان مرکز تحقیقات] گفته‌اند: «این عبارت «حداقل ۷۳۰۰ روز اشتغال» با توجه به مفاد سؤال ابهام داشته و مشخص نیست که تنها ناظر به حالت توالی است [که آن بیست سال است] و یا شامل حالت تناوب نیز می‌شود. چنانچه عبارت مزبور مشتمل بر حالت تناوب نیز باشد، این امر موجب توسعه دامنه شمول این حالت و در نتیجه توسعه دامنه قانون می‌گردد که این امر مغایر با اصل (۷۳) قانون اساسی و نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳

۱. اصل هفتاد و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان در مقام تمیز حق از قوانین می‌کنند، نیست».

۲. نظریه‌ی تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان: «مقصود از تفسیر، بیان مراد مقنن است. بنابراین، تضییق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست، تفسیر تلقی نمی‌شود».

۳. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۲۰۰۴، مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۰، ص ۳، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/Q1n0>

بدهید و آن را معنا کنید.

آقای مدرسی یزدی - بحث روی همین «یک یا چند کارگاه» است. آیا اشتغال باید از طریق یک کارگاه باشد یا اگر از طریق چند کارگاه هم شد، اشکالی ندارد؟ مجلس هم در جواب گفته: بله، اگر اشتغال در چند کارگاه هم باشد، باز توالی اشتغال محسوب خواهد شد.

آقای مؤمن - اگر اشتغال از طریق چند کارگاه باشد که دیگر در آن توالی نیست. سؤال من در خصوص پاسخی است که مجلس داده است؛ این «بلی» [که در پاسخ استفساریه آمده است]، یعنی چه؟ یعنی در بحث بیمه، اشتغال در یک یا چند کارگاه کافی است؟

آقای مدرسی یزدی - بله، همین مطلب توضیح داده شده است.
آقای علیزاده - اگر در اشتغال توالی بود، بله، فقط همان توالی کافی است.

آقای مدرسی یزدی - چون در «قانون تأمین اجتماعی» قبلاً گفته شده است که «بیست سال متوالی». پاسخ مجلس می‌گوید اشتغال بیست سال متوالی، مشمول مستمری هست.

آقای مؤمن - بحث توالی در کجای استفساریه آمده است؟
آقای ره‌پیک - این استفساریه، شامل اشتغال متناوب هم می‌شود.
آقای مدرسی یزدی - نه، نمی‌شود. اصلاً در اینجا به اشتغال متناوب کاری ندارد.

آقای یزدی - شامل اشتغال متناوب نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - نه، نمی‌شود.

آقای یزدی - آقایان مرکز تحقیقات هم به که این استفساریه اشکال وارد کرده‌اند، به پاسخ مجلس ایرادی ندارند؛ آنها هم می‌گویند پاسخ مجلس فقط مربوط به اشتغال متوالی است و در مورد اشتغال متناوب این پاسخ درست نیست یا [حداقل] ابهام دارد.

آقای مدرسی یزدی - بله، آنها می‌گویند عبارت «حداقل ۷۳۰۰ روز اشتغال» با توجه به مفاد سؤال مبهم است، ولی به نظر من مبهم نیست.

آقای علیزاده - مجلس، اصلاً به آن قسمت پاسخ نداده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، این پاسخ اصلاً اشتغال متناوب را شامل نمی‌شود.

آقای یزدی - شاید آن را هم شامل شود.

آقای مدرسی یزدی - نه، پاسخ مجلس اشتغال متناوب را شامل نمی‌شود و از این نظر هم اشکالی ندارد.

آقای مؤمن - بالاخره این «بلی» که در پاسخ مجلس آمده است،

مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان می‌باشد.»

آقای مدرسی یزدی - نه، صرفاً ناظر به همان حالت اشتغال متوالی است.

آقای علیزاده - نه، موجب توسعه [دامنه شمول حالت تناوب و توسعه دامنه قانون] نمی‌شود.

آقای یزدی - [کارشناسان مرکز تحقیقات] در ادامه هم گفته‌اند: «همچنین عدم پیش‌بینی بار مالی ناشی از افزایش مشمولان این قانون، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است.»

آقای امیری - نه حاج‌آقا، این ایراد وارد نیست. اگر سال را به روز تبدیل نمی‌کردند، این اشکال، محل بحث بود؛ چون مبنای پرداخت حق بیمه در هر دو مورد متوالی و متناوب، «روز» است. بنابراین زمان، هم در اشتغال متناوب و هم در اشتغال متوالی به ۷۳۰۰ روز تبدیل شده است و از این جهت بار مالی هم ندارد.

آقای علیزاده - بله، ایراد مرکز تحقیقات [در مورد بار مالی ناشی از افزایش مشمولان این قانون] بی‌ربط است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - خیلی خوب.

آقای - پس این موضوع بیست و پنج سال مربوط به چیست؟

آقای علیزاده - آقای دکتر، در جزء (۱) بند (ب) تبصره (۲) ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی، عبارت «بیست و پنج سال» آمده است؛ در آنجا گفته: «افرادی که حداقل بیست سال متوالی و بیست و پنج سال متناوب در کارهای سخت و زیان‌آور (مخل سلامت) اشتغال داشته باشند...».

آقای مدرسی یزدی - بله، «بیست سال متوالی و بیست و پنج سال متناوب».

آقای مؤمن - این استفساریه، در خصوص «توالی» اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - نه، اشکالی ندارد.

آقای مؤمن - ببینید، شاید مسئله برای سایر آقایان روشن باشد، ولی من نفهمیدم آیا توالی اشتغال [در بحث بیمه و دریافت مستمری بازنشستگی] به قوت خود باقی است یا نه. اصلاً مگر سؤال استفساریه از توالی اشتغال است؟

آقای مدرسی یزدی - موضوع استفساریه اصلاً همین است که در صورت تغییر محل کار فرد از مثلاً یک کارخانه به کارخانه‌ی دیگر، آیا این به توالی اشتغال او لطمه می‌زند یا خیر؟

آقای مؤمن - چنین مطلبی در متن سؤال نیامده است.

آقای مدرسی یزدی - چرا آقا، در متن سؤال هم نوشته شده است دیگر.

آقای مؤمن - آقای مدرسی، شما بفرمایید این موضوع را توضیح

یعنی چه؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - حاج آقا، صفحه‌ی بعد را بخوانید. مجلس قبلاً در پاسخ به استفساریه‌ی دیگری در زمینه‌ی اینکه آیا کسانی که اشتغال متناوب دارند، مشمول مزایای بیمه می‌شوند یا خیر، تفسیری ارائه کرده است که این‌طور است: «موضوع استفساریه: ماده واحده- آیا کارگران شاغل در مشاغل سخت و زیان‌آور- مغل سلامت- (مناطق بد آب و هوا) که به‌طور فصلی در این قبیل مشاغل کار می‌کنند، نظیر کارگران نی‌بر، کوره‌پزخانه‌ها، کارگران فصلی کارخانجات قند یا سایر مواد غذایی و آن دسته از کارگرانی که بدون میل و اراده، موقتاً کار خود را از دست می‌دهند و لیکن در ادامه‌ی کار، در همان کارگاه یا کارگاه‌های مشابه، شاغل در مشاغل سخت و زیان‌آور می‌شوند، با وجود انقطاع فصلی یا موقت، مشمول مزایای تبصره (۲) الحاقی به ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی می‌گردند یا خیر؟

نظر مجلس: بلی، مشمول مزایای تبصره (۲) الحاقی به ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی می‌شوند.»^۱

آقای یزدی - در هر صورت این مصوبه، نیاز به بحث بیشتر ندارد. **آقای مؤمن -** خیلی خوب.

آقای علیزاده - حالا مجلس در این استفساریه فعلی، گفته است که این اشتغال چه در یک کارگاه یا چند کارگاه، فرقی ندارد.

آقای مؤمن - خوب، مجلس در پاسخ گفته است: «بلی»!

آقای علیزاده - این «بلی» را بی‌جهت گفته‌اند.

آقای مؤمن - آخر این «بلی» و این پاسخ یعنی چه؟

آقای علیزاده - نمایندگان مجلس در این استفساریه می‌گویند: توالی اشتغال [در بهره‌مندی از مزایای بیمه و بازنشستگی] به قوت خودش باقی است. این کلمه‌ی «بلی» را از پاسخ مجلس خط بزنید!

آقای مؤمن - اگر مدت زمان اشتغال را به روز حساب کنیم، ممکن است سابقه‌ی فردی که برای مدتی از یک کارخانه بیرون رفته و بیکار بوده است، بعد دوباره برای کار به کارخانه‌ی دیگری رفته باشد، [هم جزء سوابق بیمه‌ای او محاسبه کنیم].

آقای علیزاده - این مطلبی که شما می‌فرمایید، در مورد بیکار بودن است، [در حالی که] این مصوبه در مورد توالی اشتغال است و نه تناوب اشتغال.

آقای یزدی - ...

آقای علیزاده - درست می‌فرمایید، ولی پاسخ مجلس شامل اشتغال متناوب نمی‌شود. فرض بفرمایید کارگری تا امروز در این کارخانه کار می‌کرده است و از فردا برای کار به کارخانه‌ی دیگری رفته است. مجلس می‌گوید در این مورد توالی به هم نمی‌خورد. مجلس می‌گوید کارگری که تا ۲۹ اسفند ۱۳۹۰ در این کارخانه بوده و اول فروردین‌ماه سال ۱۳۹۱ به کارخانه‌ی دیگری رفته است، توالی کاری‌اش به هم نمی‌خورد. این استفساریه و پاسخ مجلس همین مطلب را می‌خواهد بگوید و اصلاً به حالت اشتغال متناوب پاسخی نداده است و از این نظر هم اشکالی ندارد. حالا ما به کلمه‌ی «بلی» و امثال آن کاری نداریم. ما از استفساریه این را می‌فهمیم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - «توالی اشتغال به قوت خودش باقی است.»

آقای علیزاده - «توالی به قوت خودش باقی است.»

آقای مؤمن - در استفساریه که اصلاً از توالی سؤال نشده است.

آقای مدرس‌یزدی - [منظورشان،] مولات و همان که شما می‌گویید، است.

آقای مؤمن - مگر در استفساریه از توالی سؤال شده است [که در پاسخ، توالی آمده است]؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله.

آقای ره‌پیک - اگر مجلس در پاسخ سؤال، فقط «بلی» را می‌نوشت، کافی بود؛ «توالی اشتغال به قوت خودش باقی است» را نباید می‌نوشتند.

آقای مؤمن - «بلی» را چرا نوشته‌اند؟

آقای علیزاده - «بلی» نمی‌خواهد. «توالی اشتغال به قوت خودش باقی است.»، درست است.

آقای ره‌پیک - [«بلی» یعنی اینکه] اشتغال به مقدار «۷۳۰۰ روز» کفایت می‌کند.

آقای مدرس‌یزدی - نه، کلمه‌ی «بلی» هم باید در متن پاسخ بیاید. **آقای علیزاده -** ببینید، مجلس در پاسخ این استفساریه می‌خواسته بیان کند که تناوب را در بحث اشتغال یک کارگر [در چند کارگاه] قبول ندارد و فقط توالی را قبول دارد؛ چون تناوب، تناوب است و قابل قبول نیست، اما اگر اشتغال، حالت توالی داشته باشد، تغییر کارگاه در آن اشکالی ایجاد نمی‌کند.

آقای یزدی - اگر این استفساریه قرار باشد علاوه بر اشتغال متوالی، شامل اشتغال متناوب هم بشود، معنایش این است که فردی که در طول سی یا سی و پنج سال در چندین کارخانه یا کارگاه، ۷۳۰۰ روز خود را پر کرده است، داخل در این

۱. قانون استفساریه اصلاحیه تبصره (۲) الحاقی به ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۰، مصوب ۱۳۸۵/۱/۲۰ مجلس شورای اسلامی.

استفساریه است!

آقای علیزاده - مجلس موضوع اشتغال متناوب را بدیهی فرض کرده است. بنابراین، نسبت به آن پاسخی هم نداده است، ولی نسبت به اشتغال متوالی [در یک یا چند کارگاه] ابهام داشته است که همان را پاسخ داده است.

آقای یزدی - بله، همین طور است. اشکال مرکز تحقیقات هم توجه دادن به همین نکته است.

آقای مدرس‌یزدی - بله.

آقای یزدی - پس بنابراین عبارت «۷۳۰۰ روز» مربوط به اشتغال متوالی است؛ چون در اشتغال متناوب ممکن است فرد طی سی، سی و پنج یا چهل سال در ده کارخانه یا کارگاه مختلف، «۷۳۰۰ روز» خود را پر کند. [اما مجلس] می‌گوید پُر کردن این مدت [۷۳۰۰ روز]، به این‌گونه کافی نیست، [بلکه زمان بازنشستگی فرد در اشتغال متناوب، مدت زمانی بیشتر از ۷۳۰۰ روز است].

آقای علیزاده - مثلاً اگر هر چند روز هم بگذرد، ولی نتواند این «۷۳۰۰ روز» را به صورت متوالی پُر کند، برای برخورداری از مزایای بازنشستگی [مربوط به اشتغال متوالی در مشاغل سخت و زیان‌آور] کافی نیست.

آقای یزدی - بله، این‌گونه پُر کردن «۷۳۰۰ روز»، برای برخورداری از مزایای بازنشستگی [مربوط به اشتغال متوالی در مشاغل سخت و زیان‌آور] کافی نیست.

آقای علیزاده - دستور جلسه بعدی را بخوانید.^۱

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۱۳۲ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۰۹/۵۰۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۲/۴، طرح استفساریه جزء (۱) بند (ب) تبصره (۲) ماده (۷۶) قانون تأمین اجتماعی مصوب جلسه مورخ سوم اردیبهشت‌ماه یک‌هزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

لایحه اصلاح قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع بین‌المللی انرژی

منشی جلسه - دستور بعدی، بررسی «لایحه اصلاح قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع بین‌المللی انرژی»^۱ است.

«ماده واحده- منشور مجمع بین‌المللی انرژی به شرح پیوست جایگزین اساسنامه دبیرخانه مجمع بین‌المللی انرژی مندرج در ذیل تبصره ماده واحده قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع بین‌المللی انرژی مصوب ۱۳۹۰/۸/۱۱ می‌گردد.

تبصره- رعایت اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۲ در اجرای بخش (۱۵) و پیوست آن و اصل هشتماد (۸۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۳ در اجرای بخش‌های (۱۰)، (۱۳) و (۱۷) منشور الزامی است.»

آقای جنتی - لازم نیست متن کل مصوبه [و منشور مجمع بین‌المللی انرژی] را بخوانید. هر کدام از آقایان در مورد هر قسمت از مصوبه، ایرادی مد نظر دارد، ایرادش را بگوید.

آقای مؤمن - این مصوبه، تا اندازه‌ای که من دقت کردم، ایراد شرعی و قانون اساسی ندارد، فقط غلط‌های تایپی و چاپی زیادی دارد که آنها را یادداشت کرده‌ام. غلط‌های تایپی و چاپی مصوبه زیاد است؛ مثلاً در وسط صفحه (۲)، «نصیب» را «نصب» نوشته و آورده است: «... از طریق انجام گفت‌وگو و همکاری نصب آنها خواهد شد». بالای همان صفحه هم «ارتقا» را «اتقا» نوشته و آورده است: «شناسایی و اتقا».

آقای هاشمی‌شاهروندی - این غلط‌ها را به نمایندگان مجلس تذکر بدهید.

آقای علیزاده - بله، این موارد را تذکر می‌دهیم.

۱. لایحه اصلاح قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع بین‌المللی انرژی در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۷ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۳ به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۶۹/۶۰۳۲ مورخ ۱۳۹۲/۲/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۱، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۰۱۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.»

۳. اصل هشتماد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد.»

آقای کدخدایی - واقعاً از این نوع اشکالات خیلی در متن مصوبه وجود دارد. هشت نه مورد غلط تایپی و چاپی در آن هست.

آقای علیزاده - اغلاطی که حاج‌آقای مؤمن فرمودند را محبت کنید به من بدهید تا آنها را [به عنوان تذکر] برای مجلس بنویسیم.

آقای جنتی - این ایرادات را به صورت کلی بنویسید.

آقای مؤمن - نه، به صورت کلی فایده ندارد.

آقای هاشمی‌شاهروندی - ضمن اینکه به صورت کلی تذکر می‌دهید، همه‌ی این اغلاط را به صورت جزئی هم به مجلس بگویید.

آقای علیزاده - به صورت موردی و جزئی آنها را ذکر می‌کنیم.

خب، پس آقایان از جهت شرعی و قانون اساسی اشکالی به این مصوبه ندارند؟

آقای مؤمن - نه، از این نظر ایرادی ندارد.^۴

۴. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۱۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۴ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۶۹/۶۰۳۲ مورخ ۱۳۹۲/۲/۸، لایحه اصلاح قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مجمع بین‌المللی انرژی مصوب جلسه مورخ سوم اردیبهشت‌ماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تذکرات:

- در این مصوبه از جهت تایپی و عبارتی، اشکالات متعدد از جمله اشکالات زیر وجود دارد که باید اصلاح شود:

۱- در بند (ب) بخش دوم، واژه «شاف» به «شفاف» تبدیل شود.

۲- در بند (پ) بخش دوم، واژه «اتقاء» به «ارتقاء» تبدیل شود.

۳- در بند (ت) بخش دوم، واژه «جهانی» به «جهانی» و واژه «نصب» به «نصیب» تبدیل شود.

۴- در بند (ج) بخش دوم، پس از عبارت «جمع‌آوری» و کلمه «شفافیت»، ویرگول درج شود.

۵- در بخش چهارم، دو بند (۱) وجود دارد که باید اصلاح شود.

۶- در بند (۱) [که این هم اشتهاً (۱) درج گردیده] بخش چهارم، پس از عبارت «اتخاذ خواهند شد»، نقطه حذف شود و پس از عبارت «محسوب می‌شوند»، نقطه درج شود.

۷- در شماره (۱۰) جزء (ب) بند (۱) بخش ششم، پس از عبارت «اجلاس‌های وزارتی فوق‌العاده»، نقطه و پس از فعل «خواهد داشت»، ویرگول درج شود.

۸- در جزء (ح) بند (۲) بخش ششم، بین دو عبارت «کشورهای توسعه‌یافته» و «در حال توسعه»، حرف «و» و پس از فعل «در نظر گرفته شود»، نقطه درج شود.

۹- در جزء (الف) بند (۳) بخش هفتم، واژه «ین» به «بین» تبدیل شود.

۱۰- در جزء (ب) بند (۱۲) بخش هفتم، واژه «حاصل» به «حصول» تبدیل شود.

۱۱- در بند (۴) بخش نهم، پس از فعل «انتخاب می‌شوند»، نقطه درج شود.

۱۲- در بند (۴) بخش دهم، واژه «اجاع» به «اجماع» تبدیل شود.

۱۳- در بند (۲) بخش چهاردهم، حرف «و» پس از کلمه «مزایا» و حرف «ی» پس از عبارت «مصونیت‌ها»، درج شود.

۱۴- در بند (۲) بخش شانزدهم، واژه «منظور» به «منشور» تبدیل شود.

۱۵- در بند «الف» پیوست، عدد «(۵٪)» باید به عدد «(۰/۵٪)» تغییر یابد.»

لایحه مجازات اسلامی (کلیات، حدود، قصاص و دیات) (اعاده شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - دستور بعدی «لایحه مجازات اسلامی (اعاده شده از شورای نگهبان)»^۱ است.

۱. لایحه مجازات اسلامی که توسط رئیس قوه قضائیه به دولت تقدیم شده بود، در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۸/۲۰ هیئت وزیران به تصویب رسیده بود، در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۲ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی به تصویب رسید و به صورت غیررسمی طی نامه‌ی شماره ۱۰/۱۹۵۶۴/د مورخ ۱۳۸۸/۴/۲۲ به شورای نگهبان ارسال شد. پس از تصویب نهایی این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۷ کمیسیون قضایی و حقوقی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مورخ ۱۳۸۸/۹/۲۵ با اجرای آزمایشی آن به مدت پنج سال موافقت کردند و آن را بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۲۷/۵۰۷۸۷ مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۹ به طور رسمی برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال کردند. در مرحله‌ی نخست رسیدگی به این مصوبه در شورای نگهبان، اعضای این شورا مفاد آن را در جلسات متعدد (از ۱۳۸۸/۷/۸ لغایت ۱۳۸۹/۷/۷) بررسی کردند و برخی از مواد آن را مغایر با قانون اساسی و موازین شرع تشخیص دادند. نظرات شورا در این خصوص طی نامه‌های شماره ۸۸/۳۰/۳۶۵۹۹ مورخ ۱۳۸۸/۸/۲۷، ۳۶۸۹۷/۳۰/۸۸ مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲، ۳۷۰۲۳/۳۰/۸۸ مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۱۹، ۳۷۱۳۵/۳۰/۸۸ مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۹، ۴۰۶۲۷/۳۰/۸۹ مورخ ۱۳۸۹/۹/۱ و ۴۱۹۰۴/۳۰/۸۹ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد. کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در راستای رفع ایرادهای شورای نگهبان، اصلاح مواد واجد ایراد را در دستور کار خود قرار داد که سرانجام، این اصلاحات در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۲ نهایی شد و مصوبه‌ی اصلاحی طی نامه‌ی شماره ۱۲۷/۴۸۹۳۱ مورخ ۱۳۹۰/۸/۷ مجدداً به شورای نگهبان ارسال شد. در بررسی مصوبه‌ی اصلاحی در جلسات ۱۳۹۰/۸/۱۱ و ۱۳۹۰/۸/۱۷ شورای نگهبان، این شورا همچنان برخی از مواد آن را واجد ایراد تشخیص داد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۰/۳۰/۴۴۵۱۵ مورخ ۱۳۹۰/۸/۲۶ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. پس از دریافت این نظر شورا، مجدداً کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس اصلاحات لازم را در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۹/۲۷ به تصویب رساند و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۱۲۷/۶۳۷۷۷ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۲ به شورای نگهبان ارسال کرد. این شورا پس از بررسی مواد اصلاحی در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۸، ایرادهای پیشین را برطرف شده تشخیص داد و عدم مغایرت مواد این مصوبه با مغایر با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۰/۳۰/۴۵۳۲۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۸ به مجلس اعلام کرد. به رغم تأیید نهایی مواد این مصوبه در شورای نگهبان، پیش از ابلاغ مواد این قانون، مجدداً کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس اقدام به اصلاح شکلی و محتوایی برخی از مواد این مصوبه کرد. از این رو، شورای نگهبان مجدداً کلیه‌ی مواد این مصوبه را طی جلسات متعدد (از ۱۳۹۱/۱/۳۱ لغایت ۱۳۹۱/۶/۲۹) بررسی کرد و نظر خود مبنی بر وجود ابهام در برخی از مواد این مصوبه و مغایرت برخی دیگر با موازین شرع را طی نامه‌های شماره ۹۱/۳۰/۴۸۰۶۳ مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۶ و ۹۱/۳۰/۴۸۱۱۵ مورخ ۱۳۹۱/۷/۱ به مجلس اعلام کرد. با

آقای عزیززاده - قرار شد که اگر مجلس این لایحه را مطابق مصوبه‌ی قبلی اصلاح کرد، [آن را تأیید کنیم و رسیدگی به آن] تمام بشود.

منشی جلسه - حاج آقا، یک اصلاح دیگر هم خودشان [بدون اینکه شورای نگهبان نسبت به مصوبه، ایراد گرفته باشد] انجام داده‌اند و هر دو ماده‌ی اصلاحی را [برای اظهار نظر به شورای نگهبان] فرستاده‌اند. اولین اصلاح در خصوص ماده (۱۲۱) [مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۷] است: «ماده ۱۲۱- هرکس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد، به مجازات همان جرم محکوم و در غیر این صورت به شرح زیر مجازات می‌شود:

الف- در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار؛
ب- در جرایمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری درجه پنج؛

پ- در جرایمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش.

تبصره- هرگاه رفتار ارتكابی ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته



وصول این ایرادها به مجلس، مجدداً کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس برای تأمین نظر شورای نگهبان، اصلاحات لازم را در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۴ به تصویب رساند و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۱۲۷/۶۱۸۲۸ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۸ برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال کرد. در این مرحله، شورای نگهبان پس از بحث و بررسی مفاد مصوبه‌ی اصلاحی در جلسات ۱۳۹۱/۱۰/۲۷ و ۱۳۹۱/۱۱/۴، همچنان برخی مواد آن را مغایر با موازین شرع تشخیص داد و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۱/۳۰/۴۹۲۹۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۹ به مجلس اعلام کرد. کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در این مرحله، مواد واجد ایراد را در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۴ اصلاح کرد و مصوبه‌ی اصلاحی را طی نامه‌ی شماره ۲۱۶/۱۸ مورخ ۱۳۹۲/۱/۱۷ به شورای نگهبان ارسال کرد. این مصوبه در جلسه ۱۳۹۱/۱/۲۱ شورای نگهبان بررسی شد که اعضای شورا همچنان برخی از مواد را واجد ایراد تشخیص دادند و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۴۹۹۱۹ مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کردند. اصلاح مواد واجد ایراد، این بار در جلسه ۱۳۹۲/۲/۱ کمیسیون قضایی و حقوقی نهایی شد و مواد اصلاحی طی نامه‌ی شماره ۲۱۶/۶۰۵۳ مورخ ۱۳۹۲/۲/۸ برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال شد که بررسی این مواد در دستور جلسه ۱۳۹۲/۲/۱۱ شورای نگهبان قرار گرفت. در این جلسه، پس از بررسی مفاد مصوبه‌ی اصلاحی، سرانجام شورای نگهبان ایرادهای پیشین را برطرف شده دانست و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۱۳۱ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

آقای امیری - آن را ساقط نمی‌کند. قواعد عمومی حقوق جزا مانند تعدد، تکرار و مانند آن بر آنجا حاکم است [و لذا این حذف، خللی به آن مواردی که شما می‌فرمایید، وارد نمی‌کند].

آقای مؤمن - حذف این عبارت عیب دارد یا ندارد؟

آقای علیزاده - ندارد.

آقای امیری - ندارد.

منشی جلسه - در تبصره‌اش هم یک ویرایش صورت گرفته است که ایرادی ندارد.

آقای مؤمن - پس یعنی تغییری نکرده است. فقط آنچه را اخص بوده ...

آقای علیزاده - بله، این اصلاح، عیبی ندارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، همان قسمت ماده را حذف کرده‌اند که آن هم با وجود مقررات عمومی، ایرادی ندارد و [مقررات عمومی] شاملش می‌شود.

آقای امیری - بله.

منشی جلسه - اصلاح بعدی مربوط به ماده (۶۵۷ مکرر) است.^۱

آقای مدرسی‌یزدی - ما [در جلسه‌ی گذشته مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۱] به این ماده، اشکال داشتیم، ولی آقایان نظر ما را قبول نکردند.

آقای علیزاده - بله، ما قبول نداشتیم.

آقای مدرسی‌یزدی - چون این ماده، احتیاط‌های حضرت امام

باشد، لکن به جهات مادی که مرتکب از آنها بی‌اطلاع است وقوع جرم غیرممکن شود، اقدام انجام‌شده در حکم شروع به جرم است.»
الآن [کمیسیون قضایی و حقوقی] مجلس آمده قسمتی از عبارت صدر ماده را حذف کرده است. عبارتی که حذف شده، این است: «چنانچه اقدامات انجام‌گرفته جرم باشد به مجازات همان جرم محکوم و در غیر این صورت به شرح زیر مجازات می‌شود:»
این عبارت را حذف کرده‌اند.

آقای علیزاده - چرا این عبارت را حذف کرده‌اند؟

آقای مؤمن - مگر شورای نگهبان نسبت به این عبارت، ایراد گرفته بود؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه.

منشی جلسه - نه حاج آقا، خودشان اصلاح کرده‌اند.

آقای مؤمن - خوب، چرا آن عبارت را به هم زده‌اند؟ حالا اگر آن را به هم زدند، چرا پیش ما فرستاده‌اند؟! من نمی‌فهمم. مگر مجلس حق دارد [مصوبه‌ی بدون ایراد شورا را] به هم بزنند؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه.

آقای علیزاده - طبق قانون آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس حق ندارند، ولی اگر بفرستند - ما از قبل هم می‌گفتیم - ما ایراد خودمان را می‌گوییم. ما نمی‌توانیم به مجلس بگوییم چرا [طبق آیین‌نامه داخلی خودتان عمل نکرده‌اید و مصوبه را در این مرحله] تغییر داده‌اید.

آقای امیری - حاج آقا، من علت این تغییر را خدمتتان توضیح می‌دهم. دلیل این اصلاح، این بود که آقایان مرکز تحقیقات قم تماس گرفتند و گفتند که اگر عبارت «چنانچه اقدامات انجام‌گرفته جرم باشد به مجازات همان جرم محکوم می‌شود» در این ماده باشد، این وضع پیش می‌آید که گاهی افراد جرم بزرگی مرتکب می‌شوند و به مجازات کمتری محکوم می‌شوند و بالعکس. از این جهت، اگر این عبارت نباشد، به عدالت نزدیک‌تر است.

آقای مدرسی‌یزدی - درست است.

آقای امیری - بله.

آقای علیزاده - یک عیب دیگر هم دارد. عیب دیگرش این است که با اصلاحات انجام‌شده در این ماده، طبق مصوبه‌ی کنونی، در جایی که اقدامی به عنوان شروع به جرم تلقی نشود، ولی آن اقدام، به عنوان جرم مستقل، جرم‌انگاری شده باشد، آن هم از بین می‌رود.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، این عبارت، آن را ساقط نمی‌کند.

۱. مصوبه‌ی مورد ایراد مصوب ۱۳۹۱/۱۱/۲۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس به شرح زیر بود: «ماده ۶۵۷ مکرر - افضای غیرهمسر، به ترتیب ذیل موجب ضمان است:

الف - هرگاه افضاء شده نابالغ یا مکروه بوده و افضاء به سبب مقاربت باشد، علاوه بر مهرالمثل و دیه کامل زن، در صورت ازاله بکارت، ارش‌البکاره نیز ثابت خواهد بود و اگر افضاء به غیرمقاربت باشد، دیه کامل زن و در صورت ازاله بکارت، مهرالمثل نیز ثابت است.

ب - هرگاه افضاء با رضایت زن بالغ و از طریق مقاربت انجام گرفته باشد، تنها پرداخت دیه کامل زن ثابت خواهد بود.

پ - افضای ناشی از وطی به شبهه علاوه بر مهرالمثل و دیه، در صورت ازاله بکارت، موجب ارش‌البکاره نیز می‌باشد.

تبصره - در افضای غیرباکره، علاوه بر دیه کامل زن، مهر نکاح منقطع ثابت است. میزان مهر مزبور بر اساس میزان استمتاع صورت گرفته، خصوصیات اخلاقی و شخصیتی، وضعیت خانوادگی، موقعیت اجتماعی افضاء شده، تعیین خواهد شد.»

این ماده در نظر شماره ۹۲/۳۰/۴۹۹۱۹ مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۴ شورای نگهبان، با ایراد زیر مواجه شد: «در خصوص ماده (۶۵۷ مکرر) الحاقی، با توجه به استفساریه حضوری اخیر فقهای محترم شورای نگهبان از محضر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، چنانچه مصوبه قبل جایگزین این ماده شود و اصلاح گردد، بر مصوبه ایرادی وارد نمی‌باشد.»

[در تحریرالوسیله] را تبدیل به مصوبه‌ی قانونی کرده است. من شخصاً این موضوع را دارای اشکال می‌دانم.^۱

آقای هاشمی‌شاهرودی - حالا آن دیگر عیب ندارد.

آقای مدرسی‌یزدی - ولی آقایان این [نظر من] را قبول نکردند. حالا هم که دوباره به شورا برگشته، من [همچنان همان ایراد را دارم] ...

آقای امیری - به هر حال آقایان فقها به من فرمودند [در جلسه‌ی مشترک با کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس] بگویید برای رفع ایراد، همان ماده‌ی قبلی را بیاورند. من هم همان را گفتم و آنها هم به همان صورت، این ماده را اصلاح کردند.

آقای مدرسی‌یزدی - حالا من نمی‌گویم [که ایراد بگیریم].

آقای علیزاده - و قرار هم بر این بود که [مصوبه‌ی قبلی جایگزین شود].

آقای مدرسی‌یزدی - قرار هم همین بود، ولی من می‌خواهم [که نظرات مخالف هم] ضبط بشود.

منشی جلسه - مصوبه‌ی قبلی را هم برگردانند.

آقای علیزاده - این را جواب بدهید [به مجلس که ایراد ندارد].
الهی شکر.^۲

۱. برای آگاهی از محتوای این ایراد، بنگرید به: مشروح مذاکرات جلسه‌ی

مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۱ شورای نگهبان در خصوص لایحه مجازات اسلامی.

۲. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۱۳۱ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ شورای نگهبان: «عطف به

نامه شماره ۲۱۶/۶۰۵۳ مورخ ۱۳۹۲/۲/۸ و پیرو نامه شماره ۹۲/۳۰/۴۹۹۱۹

مورخ ۱۳۹۲/۱/۲۴، لایحه مجازات اسلامی که با اصلاحاتی در جلسه

مورخ اول اردیبهشت‌ماه یکهزار و سیصد و نود و دو به تصویب کمیسیون

قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی بر اساس اصل (۸۵) قانون

اساسی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ شورای نگهبان مورد

بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با

موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»